

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحات ۱ تا ۳

به پیروی از رهنمود امام خمینی محرومان را دریابید!

گروهی از کودکان و ساکنان جنوب شهر تهران روز ۱۶ فروردین ۶۰ با امام خمینی، میعاد داشتند. این مشتی از خوراکه با کولهباری از زنجبای گران، اما چهرهای منور به نور ایمان به انقلاب و بیروزی خلق، به میعادگاه، که خانه میبیرایش امام خمینی بود شتافتند. سخنان امام خمینی خطاب به آنان تجلیل صمیمانه بود از مشارکت پربار طیف محروم و مستضعف کمیته خود را آماج سربهای آتشین دشمن کرد و بایسکر میجان خون ستلاخ بیروزی را هموار ساخت. امام خمینی خطاب به این محرومان گفتند: شما بودید که در میدانها، در خیابانها اجتماع کردید و یامشت گره کرده در مقابل توپ و تانک و مسلسل ایستادید و با ایستادگی و شجاعت، زن و مرد شهادت بزرگ و کوچک شهادت فداکاری کردید و شهادت داد تا غلبه کرد.

امام خمینی با ستایش غرور آمیز از نقش مردم مستضعف یعنی کارگر و دهقان و دانشمند و روشنفکر زحمتکش، که خون خود را ریخته بیروزی قرار دادند، به فداکاری آنان در دوران پس از بیروزی نیز اشاره کردند و گفتند:

«الان هم که در جبههها جنگ هست، باز این طبقه محرومند که مشغول خدمت هستند.»

امام خمینی در سخنان خود حساب کاخ نشینان را از مردم کوخوشین اینبار جدا کردند و با اشاره تلخ به نقش خدمه آمین کاخ نشینان گفتند: «آن کاخ نشینها یکشاه خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد. آنها اگر مشغول افساد و فساد باشند، بی قانون هستند.»

امام خمینی این بار نیز چون همیشه با بیانی ساده و روشن نشان دادند که فقر و گرسنگی و بیماری و بیسوادگی که سبب محرومان جامعه است، حاصل غارت مستکبران و بهره کشی آنان از طبقات و اختار مستضعف است:

«شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروههایی که در سرتاسر کشور این انقلاب را به ثمر رساندند همان زن و مرد محروم و همتاها که مستضعف هستند و کاخ نشینان آنها را استضعاف میکنند.»

سخنان مهم و دلنشین امام خمینی نزد دولتمردان، مسئولان و ارباب مطبوعات، بازتابی مطبوع یافت و آنرا رهنمودی پس مسم و جلوه مردمی خط امام خمینی دانستند. این تأییدی است در لفظ بر خط امام خمینی، اما تأیید عملی آن، که مهمتر است، یعنی آنستکه باید به راهی رفت که امام خمینی نشان داده اند. امام خمینی با سخنان خود چارچوب برنامه کار نهادهای دولتی و انقلابی را در مهمترین بقیه در صفحه ۲

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های سیاسی و نظامی آمریکا باید هدفمند و فعال باشد

تجدیدی نقیضان داشت که پس از بیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که موجب از دست رفتن بزرگترین و مهمترین پایگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم امریکان در این منطقه گردید، تمام فعالیتهای سیاسی و نظامی آمریکا برای بستن این گرتن این پایگاه در این منطقه متمرکز شده است. هدف عمده این فعالیتها قبل از هر چیز آنستکه از روند تغییر تناسب نیروها در این منطقه، که در نتیجه بیروزی انقلاب افغانستان، روسیه، چین، آمریکا، ایران و سایر کشورهای منطقه در دسترس قرار گرفته، با شکست این انقلابها و براندازی نظامهای حاکم در ایران و افغانستان، این روند تغییر تناسب نیروها در بستر مطلوب برای امپریالیسم جهانی، بستر گردد. امپریالیسم آمریکا قرار گیرد. یا اینکه این تلاشهای امپریالیسم آمریکا، طبق تجارب تاریخی دوران اخیر و قانونمندی بقیه در صفحه ۱۱

حزب توده ایران از اطلاعیه دادستان کل انقلاب و گروههای سیاسی بگری می استقبال میکند

داستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران درباره فعالیت احزاب و گروههای سیاسی و کمرومهای سیاسی را دقیقاً در نظر گرفته و برای کلیه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی، مادام که به فعالیت توطئه آمیز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست نزده اند، حق فعالیت سیاسی قانونی قائل است. اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی میگوید: «احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۸۳
شماره ۲۲ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با
۹ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۱ ریال

دلوریهای خلق در جبهه های جنگ

میرسد، نقش را می گیریم. به من نگاه می کند و لبخند میزند. می گویم: خوب میشوی. می گویم: مرادانه. می گویم: برمی گردی خانه ات. می گویم: ۱۴! ۱۴! می گویم: برمی گردی. می گویم: اجازه ندارم. مرادانه، من بچه دهان بند میسازم. نشن که بقیه در صفحه ۲

۷ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه های نبرد می گذرد. ۷ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون جگر، جبهه های نبرد، ۷ ماه است که خلق قهرمان ایران بزرگ و دلاور، دلاوری و شجاعت خود را با خون رقم می زنند. آنچه در نامه مردم می خوانید، لطفاً از نبرد قهرمانانه و جبهه های نبرد دلاوری ایران است که بر اساس روح و روانی مردمی از جبهه های نبرد تنظیم شده است. ما در جبهه های نبرد، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شهادت جبهه های نبرد خلق در جبهه های نبرد، قاطعاً متذکر که با ارسال خاطرات خود ما را یاری کنند.

یا پیروز به خانه برمی گردیم یا شهید همراهِ امدادگران از خط مقدم جبهه برنگشته بودیم. شب بود و آسمان خوزستان هزاران سیخه ریز ستاره بر گریه داشت. ۴ نفر بودیم. هر کدام نیمیست خستگی گرفتیم و به بیابانستان رفتیم. بیابانستان پر از مجروح بود. مثل هربس که از جبهه برمی گشتیم، کار بدون وقفه شروع شد. بصرای اولین تخت رفتیم. جوانی که گلوله دشمن چندجای میگزشت زاندم کوبیده، روی تخت دراز کشیده ام. بمسفت سفید چشم دوخته. چهره اش آفتاب سوخته است. رنج و خیر از کسی از تبار زحمتکشان

قاچاق ارز ابعاد خطرناکی گرفته است

مراجعه میکنند و معادله پول در دست شده راه البته با قیسی گرتن از نرخ دولتی ارز دریافت میکنند. بقیه زحمتکشان بهنده باند قاچاق ارز است. این واقع، اکنون در ایران انقلابی پدیدماید عدهای بشارت میروند. قاچاقچیان از سرمایه داران غارتگر، که اگرچه اکثر آنها شناسنامه ایرانی دارند، اما در واقع شهروند مفید آمریکایی جانیکار هستند، بریکر ضعیف اقتصاد کشور، بیشتر میزند و خون آبروی مردم میکنند. متأسفانه

یکی از زالوهای سرمایه دار از کشور میگریزد و به کانون اصلی طغیانها، غارتگران و جانیکاران جهان، یعنی آمریکای «آزاد» پناه میبرد. میاشنان او در ایران پولهای نقد او را گرد می آورند، اموال غارتی غیرمستول او را به پول نزدیک میکنند و سپس پولها را به فری که از کارگران باند قاچاق ارز در ایران است، میبرازند. جانیکار فراری نیز در پشت غارتگران به فرد دیگری، که عامل بانید در آمریکاست،

در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین رزمندگان انقلاب ضربات سنگینی بر تجاوزگران صدامی وارد کردند

فروردین رزمندگان نیروزمینی مواضع دشمن را در یکی از جبهه های سرزمینهای زیر آتش سنگین خود گرفتند که در نتیجه ۸ تن از افراد دشمن کشته و ۹ تن زخمی شدند. این اطلاعیه جاکست رزمندگان زاندارم می بقیه در صفحه ۱۱

دردامه نبرد رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی، دشمن تلفات سنگینی را در جبهه های متحمل شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ۴۳ خود گروههای اعزامی این رزمندگان را در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین اعلام کرده است.

خبرگزاری هندی «پرس اینتر نیشنال» فاش میکند: از پایگاه های چین در پاکستان برای گروهکهای مائوئیستی در ایران اسلحه فرستاده می شود

خبرگزاری هندی پرس اینتر نیشنال، خبر میدهد که عدهای از جاسوسان چینی، که زیر نام «دیلما» به ایران آمدند، اقدامات گسترده ای را در جهت متحد کردن گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی در ایران آغاز کرده اند. در این گزارش آمده است: «به دستور این گروهکها، که در دوران شاه و با همکاری ساواک پدید آمدند، اکنون از سوی یک مأموریت دانه شده است ۵ در سازمانها و ادارات دولتی رخنه کنند و در یکانهای ارتش به تبلیغ بپردازند.» پرس اینتر نیشنال می افزاید: «برای ایران (گروهکهای مائوئیستی) از پایگاههای نظامی چین در پاکستان اسلحه و مهمات جنگی و تشریفات آشوب آفرین فرستاده می شود.» بگزارش خبرگزاری هندی: اطلاعات موجود حاکی از آنست که عناصر مائوئیستی در ایران به فعالیتهای جاسوسی بسود یکن میپردازند و در این چارچوب، به گردآوری اسناد اطلاعاتی درباره وضع داخلی، اقتصادی و نیزه های مسلح کشور مشغولند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

خطر اینجاست

هیگ، فرمانده پیشین‌بیمان تجاوزکار «تاوتو» روزیاً مورخارچه کنونی آمریکا، پس از سفر به کشورهای مصر، اسرائیل و اردن، به عربستان سعودی وارد شد و قرار است سپس به عراق مسافرت کند.

سفر هیگ به کشورهای که هر یک در سرسپردگی به دشمنان سوگندخورده استقلال و آزادی و در رأس آنها امیرالیسم چنایکتار آمریکا، شرم‌ناز و هریک‌ناله در کار توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران با امیرالیسم آمریکا همکاری نزدیک دارند، بیانگر طرح توطئه‌های عظیم‌تر و جدی‌تر علیه جنبش‌های آزادیبخش منطقه و بویژه انقلاب ایران است.

آقای حجازی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در روز چهارشنبه ۱۹ فروردین ۶۰، بر این مطلب تأکید کرد و طی سخنرانی پیش‌از دستور خود گفت:

«سافرت هیگ و تاجر و وزیر فرانسوی به خاورمیانه از یک توطئه بزرگ خیرمیدهد. شواهد و زمینه‌سازیهایی قبلی نشان میدهد که سفر هیگ به منطقه‌ای که در آن انقلاب ایران، بیمان‌تجاوزکار و امیرالیستی مستور را پاشانده است، برای ایجاد یک حلقه توطئه تحریک و تجاوز دیگر میان اسرائیل، مصر، عمان، عراق، عربستان سعودی، اردن، ترکیه و پاکستان بمل آمده است.

در مقابل این توطئه خطرناک، که صلح جهان و دستاوردهای جنبش‌های آزادیبخش منطقه، بویژه انقلاب ایران را در خطر جدی قرار داده است، باید هشیاری آماده و متحد بود.

اخراج از کار، بخاطر عقیده سیاسی، خلاف قانون است

آیتالله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، در مساجه مطبوعاتی هفتگی خود، از جمله گفت:

«هیچکس بخاطر عقیده سیاسی از جایی اخراج نمیشود. اظهارات آیتالله بهشتی، با تصریح صریح قانون اساسی، مطابقت دارد. اما متأسفانه مواردیکه افراد مومن، انقلابی و پشتیبان انقلاب را به جرم عقاید سیاسی‌شان از کار اخراج کرده‌اند، کم نیست و در این زمینه موارد و شواهد متعددی وجود دارد که از جمله توده‌ها را تنها و تنها بخاطر پایبندی به عقایدشان، علیرغم پشتیبانی صادقانه، قاطع و پرشور از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از کار اخراج کرده‌اند. ما این موارد را در اختیار هم‌مقام مسئولی که در صدد اجرای قانون اساسی و نظر سرریح رئیس دیوانعالی کشور، برآید، قرار میدهم و امیدوارم که تذکرات، ما نیز مورد توجه مقامات مسئول قرار گیرد.»

سینماهای کشور را از سیطره فرهنگ منحط امپریالیستی برهانید

آقای مهدی کلهر، معاون فرهنگ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات، در مورد ضوابط جدید رزور و بخش فیلمهای خارجی و طرح احیای صنعت سینمای ایران، از جمله گفت:

«توتی تولید داخلی باتکیه بر این نکته که در آینده گروهی بنام دلال فیلم خارجی و واردکننده فیلم خارجی جدای از تولید داخلی نخواهیم داشت، بلکه دولت خود فیلمهای مناسب خارجی را شناسایی کرده و جهت‌استفاده آنها را به تولیدکنندگان فیلم داخلی معرفی می‌کند.»

«نکته دیگر مساله سینماهای سراسر کشور است که در اختیار بخش خصوصی است و طبق قانون فعلی آنها خود فیلمهای نمایشی را انتخاب می‌کنند. در طرح پیشنهادی وزارتخانه، دولت نظارت بر اکران فیلمهای سینمایی را برعهده خواهد گرفت.»

آقای کلهر در مورد ضوابط واردات فیلمهای خارجی در سال جدید، گفت:

«امیدوار هستیم هشت‌هائی را برای دیدن فیلمهای خارجی بخصوص فیلمهای جهان سوم و کشورهای انقلابی به‌خارج از کشور اعزام کنیم، چرا که معتقدیم مردم مسلمان ما در تمام نقاط کشور باید با کلیه فرهنگهای ارزشمند جهان از طریق این وسیله، یعنی سینما ارتباط برقرار کنند.»

تصمیمات اعلام شده توسط معاون فرهنگ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در صورت عملی‌شدن گام بزرگی در راه پایان‌بخشیدن به تسلط فرهنگ منحل امپریالیستی بر سینماهای کشور و آشنا کردن مردم انقلابی ایران با فرهنگ انقلابی و مترقی و انسان‌ساز جوامع و ملل انقلابی است.

دلارها و عوامل بخش خصوصی، که ددسی کسب سود، سینماهای کشور را یکی از عرصه‌های مهم تبلیغ و آموزش فرهنگی را، به‌جولانگانه فیلمهای مبتذل و منحل کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی، بویژه آمریکائی بدل کرده‌اند، ذواق این عرصه را از روح انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی، تهی می‌سازند.

برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در اجرای این تصمیم انقلابی و مردمی، آرزوی موفقیت داریم.

اتحاد، رمز پیروزی علیه امپریالیسم است

قذافی، رهبر لیبی، روز چهارشنبه از کشورهای عضو جبهه‌پایداری و جنبش ملی لبنان دعوت کرد که جبهه واحدی برای مبارزه با توطئه‌های اسرائیل و مزدوران وی، چون سرگرد سعد حداد در لبنان، بوجود آورند.

سر هتگ قذافی همچنین از سایر جنبش‌های انقلابی خواست که در این پیس‌علیه توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم شرکت کنند. پیشنهادهای رهبر لیبی، انقلابی، شایان توجه بسیار است. در حالیکه امپریالیسم آمریکا و کلیه نیروهای مرجع، ضد مردمی و

قاچاقچیان افغانی با قاچاق هروئین به «مبارزه» ادامه میدهند

در خبرها بود که ۱۴ کیلو هروئین از ۶ قاچاقچی افغانی توسط ماموران اداره مبارزه با مواد مخدر شریانیهای مشهد و تایباد، بدست آمده است و قاچاقچیان دستگیر شده‌اند. قاچاق مواد مخدر توسط افغانیهای قاچاقچی که در خاک ایران بویژه در ناحیه خراسان زندگی می‌کنند، واقعه تازه‌ای نیست. هر چند یکبار، گروهی از این جنایتکاران که خود را زیر پوشش «اسلام‌خواهی» پنهان ساخته‌اند، در فلان یا همان نقطه هنگام قاچاق هروئین، تریاک، اسلحه، ارز و پول دستگیر میشوند. خبر سرعت و جنایت این «مبارزان» افغانی نیز از جمله اخبار عادی و همیشگی را تشکیل میدهد.

هر روز برای مردم ایران این واقعت بیشتر آشکار میشود که باندهای افغانی که ندای صدها تنخواه‌ی و «اسلام‌دوستی» را سر داده‌اند، جز باندهای جنایتکار، فاسد و زرد نیستند، جز در خدمت دشمنان توطئه‌گر انقلاب ایران قیام ندارند و به «مبارزانی» جز قاچاق ارز و اسلحه و هروئین اشتغال ندارند.

مفهوم «مبارزه» قاچاقچیان افغانی و «اسلام» مورد اعتقاد آنها، هر روز آشکارتر میشود. بی‌بوه نیست که امپریالیسم آمریکا و انگلیس، مصر و پاکستان و چین و دیگر رژیمهای جنایتکار و فاسد، با تمام قوا این «مبارزان» افغانی را می‌ستایند و از هیچ کسکی برای ادامه مبارزه آنان که علیه انقلابهای ایران و افغانستان است، دریغ نمی‌ورزند.

دلایلی خلق...

پتیه از صفحه ۱

حمله کرد، پدرم، که کشاورز پیری است، به من گفت: «تو جوانی. باید بروی صف اول جبهه. منم پشت جبهه می‌جنگم. گاش زورداشتم و همراه تو می‌آمدم. باید بروی و از انقلاب دفاع کنی. این انقلاب هاست.»

روز بعد راه اقدام. وقتی پدرم مرا از زیر قرآن مجید رد کرد، گفت:

«بسم تا جنگ تمام نشده، حق‌تداری برگردی. حتی اگر زخمی شدی، حق‌تداری برگردی. یا بیروز برمی‌گردی یا شهید. انقلاب از خون ماست که زور می‌گیرد و می‌ماند.»

مجرور جوان یاز لیخند می‌زد. از نگاهش گویی تصویر پدر زحمتکش و رویای مزارع‌آباد می‌گذرد. ادامه می‌دهد:

«در این ما رسم است، پدر را مانند دوشم احترام می‌گذاریم و روی حرفش حرف نمی‌زیم. علاوه بر هم حرفهای پدر را قبول داریم. به جبهه آمده‌ام که با خونم از انقلاب دفاع کنم. حالا هم یا بیروز به خانه برمی‌گردم یا شهید.»

مجرور جوان لیخند روشنی می‌زد. رویم را برمی‌گردانم، تا اشکهایم را بیند.

می‌خواهم دشمنان صلبای قالم را نشنود

بیمارستان شلوغ است. دشمن شبر را بیماران کرده است. دماغ بیکرهای عزیز شهیدان و مجروحان را می‌آورند. صدای فتح در مرگ همه جا را پر کرده است. من و امدادگران دیگر می‌دویم. تا برزخی مردم نییم و جایی را نجات دهیم. فرست سخرانند ندارم. تا سخن کار ادامه پیدا می‌کند. دهسحر می‌تیشیم که نفسی تازه کم. پاسدار جوانی می‌آید و سلام می‌کند. می‌تیشند. می‌گویند:

«خواهر، خسته نباشی. ممکن است مقاری چسب پانسمان به من بدهی؟»

نگاهش می‌کیم. سالم است. حتی خراش ندارد. خیلی جوان است. مثل گلی که سحرگاهان بهار در باغچه شکفته باشد. تعجب می‌کیم. می‌گویم:

«شما که سالم هستید، چسب پانسمان برای چه می‌خواهید؟ برای مجروحی می‌خواهید؟»

نگاهم می‌کند. چیز شگفتی در چشمانش شعله می‌کشد. می‌گوید:

«برای مجروح نمی‌خواهم. قرار است فردا شب به دشمن شیخون بزیم.»

تعجب بیشتر شد. می‌پرسم:

«چسب پانسمان میخواهید که اگر در شیخون مجروح...»

حرفم را می‌برد.

«می‌خواهم چسب پانسمان بچسبانم که اگر زخمی شدم، دشمن صدای من را نشنود.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!



محرمان را دریابید!

پتیه از صفحه ۱

مسائل اقتصادی - اجتماعی کشور نشان‌دادند. نشان دادند که انقلاب باید به کدامین سو حرکت کند: بسوی ایجاد دگرگونی اساسی در زندگی زحمتکش و نه‌بهره حفظ منافع کانتینتینان. انقلاب باید پهرتیشند و شهد میوه‌های آن کام کسانی را شیرین کند که، با خون عزیزترین عزیزان خود، درخت پیروزی را آبیاری کرده‌اند. انقلاب باید به‌خانه و کلبه و زاغه‌تانی راه یابد که صاحبان واقعی انقلابند، نه آنها که بکته امام خمینی:

«دکتر نشسته بودند و منتظر این بودند که یک طرفی علیه کند و آنها بیایند و بهره‌داری کنند. میوه‌چینی کنند.»

این «میوه‌چینی» این فرصت‌طلبان که از انقلاب قطب‌جایی شایع قدرت را از یلندای کاخ سلطنتی «آریامهر» بر دامان خود می‌فهمیدند و تصویری از گذران محرومان جامعه و به‌هوت زندگی میلیونها کارگر و دهقان ندانستند، برس راه انقلاب ترمز شدند و کوشیدند. و امروز بیش از همیشه می‌کوشند، که انقلاب را از پیشروی بسوی اهداف عالی خود بازدارند. اینان یا هر تصمیم و هر اقدام مردمی نهادین انقلاب، مجلس و دولت، به پنهانی مخالفت. اصلاحات ارضی میوه‌شورای انقلابی را، کابینه‌زمن را از زمین‌داران بزرگ و فئودال‌ها بگیرد و به دهقان زحمتکش و محروم واگذار کند، برخلاف احکام شرع اسلام میدانند، که دین عدالت است. آنها یا اتهامی و چماق کفر و الحاد به هواپاران اجراء این قانون می‌تازند، تا منافع زمینداران بزرگ را حفظ کنند. بهمان عریان، همان راه را ادامه دهند که قبل از آنان «آریامهر» پیوسد و سرساز دوزخ در آورد.

این کانتینتین‌ها نه فقط با واگذاری زمین به دهقان مخالفت، بلکه اصولاً با هر اقدامی در راه تحدید مالکیت مخالفت میکنند. یا تکیه غلوآمیز بر روی «مدیریت» و «تخصیص»، قصد پلید خود را، که حفظ کارفرمایان طاغوتی است، پنهان میدارند و گاه حتی پنهان‌هم نمیکنند و آشکارا سرمایه‌داران قرار را دعوت میکنند که به کشور بازگردند و موسسات تولیدی خود را «اداره» کنند، کاری که تریه ضدانقلابی کرد.

اینان با دولتی کردن یازگانی خارجی مخالفت، با ایجاد بخش دولتی و تعاونی در توزیع مخالفت، با بسپه‌بندی کالاها مخالفت، با نرخ‌گذاری دولت مخالفت، با دخالت دولت در امور خانم‌سازی و اجاره مسکن بسود محرومان جامعه، مخالفت، و در یک کلام، با هر آنچه غارتگری صاحبان سرمایه و پول را محدود سازد و بر آنها لگازند، مخالفت میکنند، منتسب نهمسرح و بهره‌ده، بلکه به پنهانی حفظ اصول اسلام، حفظ منافع کشور، حفظ منافع انقلاب و غیره...

اکنون این امام خمینی است که بار دیگر بر وجود طبقات مستکبر و مستضعف در جامعه تأکید میکند، بار دیگر مستکبران را عامل استضعاف محرومان می‌نامد، بار دیگر کانتینتینان را مترزل، ترمو، بیکاره، فاسد، بی‌تفاوت و میوه‌چین انقلاب میخواند و کوششیشان را از پایان واقعی انقلاب.

امام خمینی با سخنان عمیق خود دربرخورد با کوششیشان جنوب شهر تهران، سمت اساسی حرکت انقلاب را بار دیگر نشان داده‌اند و اینک وظیفه مسئولان مملکتی است که اقدامات خود را با این حرکت هماهنگ سازند. آنها وظیفه دارند که در هر گام، هر اقدام و هر تصمیم منافع طبقات محروم را در نظر داشته باشند، و این نیز بدیهی است که هر گام، هر اقدام و هر تصمیم بسود طبقات زحمتکش، یعنی کندن خستی از بنای غارتگری کانتینتینان.

کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران هرگز بیمل خود حتی نیم‌قدسی عقب‌نخواهند نشست. اما نباید در عرصه مبارزه با آنان هرگز دچار تردید و تاخیر و گرین شد. باید با اقدامات انقلابی بسود زحمتکش، مواضع آنها را درهم گوید و امکان غارتگری و بهره‌کشی را از آنان گرفت. اگر کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران بوقع ازاریکه قدرت اقتصادی بجزیر کشیده نشوند، با این اهرم به کل انقلاب هجوم خواهند برد. باید دست این غارتگران و استثمارگران را از گریبان زحمتکش و محرومان کوتاه ساخت، تا راه برای بهره‌گرفتن زحمتکش از ثمرات انقلاب گشوده گردد.

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

زقانی تویز

هیئت سیاسی کمیته مرکزی به من ماموریت داده است که گزارش فعالیتش را در فاصله زمانی میان پلنوم شانزدهم و پلنوم هفدهم و همچنین پیشنهادهاش را برای کار آینده حزب به آگاهی کمیته مرکزی برسانم.

این گزارش شامل دو بخش است. در بخش اول تحلیل مختصری از اوضاع درون کشور و اوضاع جهان در لحظه کنونی داده شده، در بخش دوم فعالیت رهبری حزب در فاصله میان دو پلنوم به آگاهی رفتار رسانده می شود.

برای راه رهنمودهای پلنوم شانزدهم، هیئت سیاسی طرح ترقی برای برنامه حزب دوره اول کنونی تکامل جامعه ایران تهیه کرده است که برای اظهار نظر و تصویب به پلنوم پیشنهاد می شود.

بخش اول

تحلیل مختصری از اوضاع ایران و جهان در لحظه کنونی

الف. اوضاع درونی ایران

مهم ترین ویژگی اوضاع سیاسی درون کشور در لحظه کنونی این است که انقلاب ایران به دنبال دستاوردهای بسیار با اهمیت و درخشانی که در نبرد سرنوشت ساز نیروهای انقلاب با امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی پیمان رسیده است، اکنون یکی از دشوارترین مراحل روند تثبیت و تحکیم و گسترش خود را می گذراند. جبهه متحد نیروهای غارتگر امپریالیستی، ارتجاع مینا جهانی و ضدانقلاب داخلی که با پیروزی انقلاب ایران سربلندی نمانده اند، به هم پیوسته حفری نیستند و روند تثبیت و تحکیم و گسترش این انقلاب را به عنوان یک دگرگونی بازگشت ناپذیر می بینند. آن ها تمام نیروی جسمی خود را برای براندازی این انقلاب و بازگشت اوضاع ایران و منطقه به دوران تسلط امپریالیسم جهانی و امپریالیست ها به کار گرفته اند. همان طور که می دانیم در دو سال گذشته توطئه های رنگارنگ امپریالیسم یکی پس از دیگری طرح ریزی شده به موقع اجرا درآمده و پیروز شده است. در برابر ایستادگی دلیرانه مردم ایران و نیروهای آزادیخواه انقلاب با شکست مقتضایه پایان یافته است. هر گاه این توطئه ها برای درهم شکستن ششمن توطئه امپریالیسم که به صورت تحمیل جنگ تجاوز کارانه دارنده صلح خائن به میان ما پیاده شد، یا تمام شد در جریان است. در واقع ایند گفت که این توطئه بطور عمد در دهان روزهای نایت با شکست زورپوشیده هدف این تجاوز نه کم و نه بیش سرنوشتی زورپوشیده اسلامی ایران و مستقر ساختن رژیم دست نشانده امپریالیسم یعنی دارنده اشرف - اوسیس - بختیار و زوال نشان براریکه قدرت در میان ما بود این نقشه با اشتراک مستقیم امپریالیسم آمریکا و انگلیس و فرانسه و یارانشان با همکاری مرتجع ترین دولت های منطقه یعنی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، اردن، ترکیه، پاکستان، عمان و شیخ تینبهای عربی خلیج فارس تنظیم شد و دارنده ستمگریتی و ضد انقلاب ایران مامور اجرای آن گردیدند.

مقاومت دلیرانه و حماسه های نیروهای انقلاب ایران این توطئه را در دهان روزهای نشت با ناکامی دربرو ساخت. مسلم است که این شکست هم دشمنان انقلاب ایران را از ادامه توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی باز نماند. همانگونه که در موازات ادامه تجاوز عراق که ظاهر عمدتین هدفش تشدید تویزهای های ناشی از جنگ و ناتوان ساختن جمهوری نوپدید مین ما در برابر توطئه های امپریالیستی و ضدانقلابی است، توطئه مستقیم نیروهای ضد انقلاب داخلی و امپریالیسم و ارتجاع جهانی در شرف انجام و توطئه های دیگر در حال تدارک است.

عمده ترین هدف توطئه های که در جریان است، این است که توده های وسیع مردم را از انقلاب روگردان سازند و میان نیروهای انقلابی ختم نفاق و چندمستی بیفتانند و اگر موفق شوند، جنگ خانگی را به انقلاب ایران تحمیل کنند.

دستگاه جنایتکار دولت ریگان این هدف را پنهان نمی کند و خود را برای بهره گیری از چنین امکانی آماده می سازد.

الکساندرهیک، وزیر خارجه آمریکا با بی شرمی بی نظیری که از ویژگی های امپریالیست ها است، اظهار داشت: در صورت آغاز جنگ داخلی در ایران، ایالات متحده آمریکا امکان خواهد داشت، به طرف مورد نظر کمک سریع نماید. تشکیل ارتش واکتس سریع و تمام تدارکاتی که آمریکا در اطراف ایران می بیند برای همین تخته احتمالی است (کیهان، ۱۷ اسفند ۱۳۵۹).

ولی با گسترشی که جنبش انقلابی مینما، پیروژه پس از اشغال مرکز توطئه آمریکا در تهران پیدا کرد، با شناخت روزافزونی که توده های مردم ما از دشمنان واقعی انقلاب پیدا کرده و می کنند، در صورتی که گردان های شمال انقلابی بتوانند همه نیروهای خلق را برای رویارویی با این توطئه تجزین نمایند، می توان امیدوار بود که این توطئه هم با شکستی تنگ آور برای توطئه گران و جاده مسافکن هایش پایان پذیرد.

دستاوردهای انقلاب ایران

جبهه متحد براندازی می گوید این طور تبلیغ کند که گویا انقلاب ایران با شکست روبرو شده و هیچ چیز به دست نیامده و حتی وضع مردم از دوران سلطه خاندان پهلوی و رژیم ساواک اش بدتر شده است. ولی واقعیت سرسخت که هنوز آنقدر زنده هستند که نمی توان فراموششان کرد عکس این تبلیغات زهر آکین و گمراه کننده را شهادت می دهند. انقلاب ایران در نخستین دو سال زندگی خود، علی رغم همه فشارها و همه ترسها و کلاه های امپریالیست ها و ضدانقلاب داخلی، علی رغم نقش ترمز کننده دولت «گام به گام» که کارگران امپریالیسم در تار و پودش را می یافته بودند، علی رغم تلاشی هواداران سلطنت مشروطه و رژیم سلطنتی مشروطه (جبهه ملی - نهضت آزادی)، علی رغم کوشش آن نیروها و شخصیت های سیاسی و روحانی که می کوشیدند انقلاب را در چهارچوب تاملین کامل منافع سودجویانه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان نگه دارند، توانست:

- دست خاندان جنایت پیشه پهلوی و بخش چشم گیری از نوکران و وابستگان کلان سرمایه دار و بزرگ مالک را که تکیه گاه اصلی آن رژیم را تشکیل می دادند، از زندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران قطع کند؛
- حاکمیت ساواک جنایتکار را براندازد و هزاران زندانی سیاسی را آزاد سازد؛
- بخش قابل توجهی از جنایت کاران را که علیه رژیم تلاش «گام به گام» برای فرار دادنشان از کشور به دست نیروهای انقلاب گرفتار شدند، مجازات نماید؛
- بخشی از سرمایه های غارت شده این جنایتکاران و سایر جنایتکاران فراری را که در ایران به جا مانده بود - و در این چهارچوب تزیه که به ۲۰ درصد از واحدهای صنعتی بخش خصوصی و همه بانک ها را - به تسلط خلق غارت شده بازگرداند؛
- به تسلط غارتگران و چاربان امپریالیست ها به سرگردگی امپریالیسم آمریکا پایان بخشد و راه استقرار استقلال واقعی را در زندگی سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور بگشاید؛
- قرارداد تنگین نواستاماری ایران و آمریکا را پاره کند، ایران را از پیمان نظامی امپریالیستی سنتز بیرون آورد و به جرگه کشورهای غیرمتهد پیوندد؛
- دهها هزار زانو و جاسوس آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ژاپنی را که تمام شریان های حیاتی زندگی کشور ما را قیسه کرده بودند و خون ملت را می کشیدند و ثروت های ملی ما را چپاول می کردند به خانه هایشان روان کند؛
- پایگاه های نظامی امپریالیسم آمریکا را برچیند و ارتش ایران را از زیر سلطه مطلق ارباب های آمریکایی خارج سازد؛
- داغ تنگ زاندار منطقه بودن را از چهره مین عزیز ما بزداید و آن را به مهد انقلاب و به یکی از دزهای مایه عملیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه مبدل سازد؛
- با اقدام تاریخی دانشجویان بیرو خطاسام در منفر ساختن دستار براندازی انقلاب ایران، یعنی جاسوسخانه چپانخور آمریکا و دست نشانده گان امپریالیسم امپریالیسم جهانی و دست نشانده گان مزدوران و سازشکاران و تسلیم طلبان که در مقامات

حساس و دولت انقلاب رخته کرده بودند، برادر و دولت «گام به گام» را که در جهت سنج کردن انقلاب ایران عمل می کرد برکنار سازد؛

- با وجود همه ترسها و تیرگی ها و تحریکات دامنه دار از طرف ضدانقلاب و تسلیم طلبان، اولین گام را در راه درویش گرفتن یک سیاست خارجی که تصمصیم کننده منافع و استقلال مینما باشد، بردارد؛
- روابط سیاسی را با دشمن اصلی و شماره یک خلق ایران، آمریکا و دست نشانده گان مستقیمش: اسرائیل، مصر، آفریقای جنوبی، دولت های پانزدهم دست نشانده و وابسته اردن و مغرب قطع کند و برعکس رشته های دوستی و همکاری را با کشورهای سبزه پامیاری کشورهای مسلمان و مترقی عربی مستحکم سازد و گام های جبهه جهانی ضد امپریالیستی بردارد؛
- برای پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب، برای مبارزه بیگانه با دشمنان و توطئه های ضد انقلاب نهادهای انقلابی بوجود آورد؛
- قانون اساسی را که بلوغ دداشتن نارسایی ها و کیبدها دارای جنبه های مثبت بسیاری است، تدوین کند و بر اساس آن نهادهای دولتی را ایجاد نماید؛
- در صد چشم گیری از ساواک ها و مزدوران رژیم سرتوکن شده و وابستگان به سازمانهای جاسوسی امپریالیستی را از دستگاه های دولتی و فرهنگ و نیروهای مسلح پاکسازی نماید؛
- گام های معینی در جهت حل برخی از مهمترین و مهم ترین مسائل اجتماعی مانند پایان بخشیدن به تسلط غارتگران قوای و نیمه قوای بزرگ مالکان و کوتاه کردن دست تجار بزرگ غارتگر از راه ملی کردن تجارت خارجی و برقراری کنترل دولت بر توزیع داخلی بردارد.

با وجود چنین دستاوردهایی باز هم از آن سخن گفتن که انقلاب ایران با شکست روبرو شده و کاری انجام نداده یا از سوغیت است و یا از ستم بودن چشم پوشی حکایت می کند.

اهمیت تاریخی این دستاوردها باز هم چشم گیرتر و با اهمیت تر می شود، وقتی در نظر بگیریم که در چه شرایط دشواری وجود آمده اند. واقعیت این است که نیروهای راستین و وفادار انقلاب این کامیابی ها را در نبرد دشوار با ۳ عامل دشمن و مخالف و ترمز کننده به دست آورده اند:

- تلاش دشمن برای ناکام ساختن انقلاب؛
- تلاش طبقات و اقلات مرفه و استثمارگر برای ترمز کردن پیشرفت انقلاب؛
- پیامدهای منفی اشتباهات، مطلق گرایسها، قدرت طلبی ها، انحصار طلبی ها، خودمحموری ها در صفوف نیروهای انقلابی که این خود محمول موضع و دید طبقاتی این نیروهاست.

تجربه در سال گذشته شواهد بسیاری را نشان می دهد که هر یک از این عوامل به نوبه خود ضربات دردناکی به روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وارد ساخته اند و وضع دشوار و بیخبر کنونی محصول تأثیر مشترک این ۳ عامل تخریبی است.

(۱) **آماج و شیوه های عمل دشمنان انقلاب**

سرسخت و آشتی ناپذیر انقلاب ایران عبارتند از: امپریالیست ها و ارتجاع جهانی و پیروژه ارتجاع منطقه به سرگردگی امپریالیسم ها، تجاوز و جنایتکاران آمریکا و کلیه پشتیبانان و یارانشان که رژیم سرتوکن شده پهلوی، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، رباخواران و ستمه بازان، ساواک ها و سرسپردگان آن رژیم در ارتش و پلیس و ژاندارمری و ادارات دولتی، همه غارتگران و زورگویان در شهر و روستا که بخشی از کشور گرفته و در خارج دست انداز کار توطئه اند و بخشی در کشور مانده و از دست زدن به هیچ جنایتی روگردان نیستند.

هدف این دشمنان انقلاب ایران از همان روزهای اوج گیری جنبش انقلابی مردم ایران روشن بود و در این خلاصه می شود که به هر قیمت این انقلاب را در هر مرحله ای که میسر شود با شکست روبرو سازند و مانند انبوهی از پشه های مسموم از اوضاع دوران گذشته را بازگردانند. استادی که تاکنون انتشار یافته و تمام بریده های دو سال گذشته، این حقیقت را تأیید کرده اند که دشمنان انقلاب ایران به سرگردگی امپریالیسم آمریکا حتی یک لحظه هم از تدارک و به کار انداختن همه امکانات خود برای درهم شکستن قملی انقلاب ایران دست برنداشته اند. طبق ارزیابی حزب توده ایران تاکنون از طرف

امپریالیست ها و ارتجاع منطقه هفت توطئه براندازی برای درهم شکستن انقلاب ایران تدارک دیده شد و به موقع اجرا درآمد.

اول، توطئه کودتای نظامی در روزهای پیش از ۲۲ بهمن؛

دوم، توطئه منحرف ساختن انقلاب به کمک دولت لیرال ها؛

سوم، توطئه افعال فشار از راه محاصره اقتصادی پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا و در ارتباط با آن تلاش مجدد برای منحرف ساختن انقلاب ایران در ماههای آخر سال ۱۳۵۸ با بهره گیری از رویداد افغانستان؛

چهارم، تجاوز به بطیس و تدارک کودتای سرتاسری در ارتباط با آن؛

پنجم، کودتای نوژه؛

ششم، تجاوز عراق به ایران؛

هفتم، ایجاد تشنج در سراسر ایران در ماههای بهمن و اسفند.

هدف همه این توطئه ها و پیروژه توطئه تجاوز نظامی آمریکا - مسلمان به ایران، جلوگیری از تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی و تشمیف اقتصادی اجتماعی کشور تاحد فروریز نظام انقلابی و آماده شدن زمینه برای دست اندازی به قدرت از سوی ضدانقلاب سرسپرده بوده و هست.

کوچکترین تردیدی نمی توان داشت که در آینده هم این تلاش هر روز با شدتی بیشتر دامنه های پناهورش ادامه پیدا خواهد کرد. اگر امپریالیسم آمریکا هنوز پس از ۲۰ سال دست از محاصره اقتصادی و انواع تحریکات نظامی تاحد تدارک تجاوز به خاک کویا، برنداشته و فکر براندازی رژیم انقلابی کویا را از سر خود بیرون نبرد است، روشن است که در مورد ایران، همان طور که امام خمینی به درستی بیان داشته، تا آخر عمر ما با آمریکا در ستیز خواهیم بود. اهمیت استراتژیک اقتصادی و سیاسی و نظامی مینما در زمینه فشار و تدارک گران و استیلاجویانه امپریالیست جهانی آن قدر بزرگ است که پیروزی انقلاب شکوهمند ما، خواب زحمت را از این دشمنان شماره یک محرومان سراسر جهان روده و است. انقلاب ایران در سراسر جهان و پیروژه منطقه خاور نزدیک و منطقه خلیج فارس مانند زلزله میسر، نم تنها یکی از عمده ترین پایگاه های غارت و تجاوز امپریالیستی و ایران نموده، بلکه پایگاه های دیگر را به شدت متزلزل و آسیب پذیر ساخته است. با این تأثیر عظیم جهانی و پیروژه منطقه ای، کاملاً قابل فهم است که آتش کینه امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران خاموش نشدن نباشد و انقلاب ایران در آینده هم مانند گذشته بطور مداوم و بدون انقطاع با سنگین ترین توطئه های جنایتکارانه آن دربرو گردد.

(۲) **نیروهای ترمز کننده انقلاب**

در درجه اول عبارتند از سرمایه داری لیرال و اقلات مرفه که در دوران طاغوت از امتیازات گوناگون مایه مزخوردار بوده اند.

واقعیت این است که این اقلات اجتماعی در دوران فرمانروایی رژیم وابسته آریا پامری در چهارچوب معینی در مبارزه برای پایان بخشیدن به استبداد و محدود ساختن غارت می بنویسار انحصارهای امپریالیستی و طبقات حاکمه وابسته به آن شرکت داشتند. علت آن هم کلازارش است. فرمانروایان دوران طاغوت، یعنی انحصارهای امپریالیستی، خاندان پهلوی و طبقات حاکمه بزرگ مالک و کلان سرمایه دار و دستگاه فاسد و دزد اداری سرتاسری، پلیس، ساواک آنچنان میروا ترقیب های ملی و محصول دسترخی توده های ده ها میلیون حکتکار و تولید کنندگان جامعه ما را به بنامی می بردند که میدان عمل برای سودجویی و ثروت اندوزی اقلات ربا خوری سرمایه داری بطور نسبی تنگی می گردید. این اقلات اساس غارتگری امپریالیستی و سرمایه داری وابسته و رژیم آریا پامری اخلاقی نداشتند، هم شاه را قبول داشتند و هم مشروطه سلطنتی و هم مناسبات با دنیای امپریالیستی را. این اقلات تنها خواستار آن بودند که از این تمد عظیم و گسترده، کلاه بزرگتری نصیبشان گردد.

تلاش این قشر و سازمانها و شخصیت های سیاسی وابسته به آن از همان روزهای اوج جنبش انقلابی همواره و بدون وقفه در این جهت بود که از زرف ترشدن و فراگیر ترشدن انقلاب جلوگیری نمایند و انقلاب را در چهارچوب تنگ تاملین سود خاکی برای سرمایه داری لیرال ایران محصور و محبوس نگه دارند. موضع گیری های روشن «جبهه ملی» و نهضت آزادی و سازمانهای سیاسی وابسته به بورژوازی لیرال در دوران اوج گیری

بقیه در صفحه بعد

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

تربیت حاکمیت در مرحله نوین ۱. از لحاظ پایگاه طبقاتی

عناصر حاکمیت کونی کشور بطور عمدی از: نهادهای قانونی شامل مقام رهبری، رئیس جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، دولت، شورای تکمیل قانون اساسی، سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی یعنی دادگاههای انقلاب، کمیته‌های انقلاب، جبهه سازندگی، بنیاد مستضعفان و غیره، ترکیب طبقاتی این نهادها بطور عمدی مخلوطی است از طبقه‌های کارکنان و نمایندگان اقتدار گوناگون مردمی تا نمایندگان بورژوازی لیبرال. ولی تفاوت محتوای کیفی ترکیب حاکمیت کونی با ترکیب دوران پیش از انتخاب نهادهای قانونی، دوزخ مخصوص جناح‌های مختلف این طیف در حاکمیت است. اگر در دوران دولت موقت و فعالیت شورای انقلاب و دولت پیش از دولت کونی، نمایندگان بورژوازی لیبرال وزنه سنگینی را در حاکمیت دولتی تشکیل می‌دادند، در حاکمیت کونی این وزنه به میزان قابل توجهی سبک‌تر شده است. ترکیب اکثریت مجلس و ترکیب دولت کونی بیانگر آن است که وزنه نمایندگان اقتدار گوناگون مردمی در حاکمیت قانونی سنگین شده است. سمت‌گیری اقدامات این حاکمیت هم در همه زمینه‌ها یعنی هم در سیاست داخلی، هم در سیاست اقتصادی و هم در سیاست خارجی بیانگر این واقعیت است که وزنه سرمایه‌داری لیبرال که با تمام نیروی خود در جهت سازش با امپریالیسم آمریکا، مخالفت با هر گونه محدودیت دزدانه‌نژادگرای بزرگسالکان و سرمایه‌داران عمل می‌کند، در این حاکمیت کم‌شده و نقش موثری قلع‌کننده خود را تا حدی از دست داده است.

در نهادهای انقلابی، یعنی دادگاههای انقلاب، کمیته‌های انقلابی و سپاه پاسداران، این تقسیم‌قدرت بازم بیشتر می‌شود. نمایندگان و وابستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که وابستگان به سرمایه‌داری لیبرال، بزرگسالکان و حتی عناصر وابسته به ضدانقلاب سازمان‌یافته در این نهادها، ریشه نمی‌کنند و حضور ندارند. برعکس با کمال تأسف باید این واقعیت را که امام‌خستین بارها یادآور شده، پذیرفت که این عناصر ضدانقلاب و سازشکار در همه این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ریا و ترویج، با تظاهر به افراطی‌گری مذهبی، ستیز با هر گونه خواست به حق توده‌ها و هر گونه افکار آزادمنشانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد ناراضی‌ت در میان مردم و تحریک، تشنج و برپائی عمل می‌کنند.

وظیفه نیروهای راستین انقلاب این است که با تمام نیرو از گرایش‌های ضدامپریالیستی، مردمی و آزادمنشانه نیروهای موثر در حاکمیت کونی پشتیبانی کنند. سمت‌گیری‌های محافظه‌کارانه، واپس‌گرایانه را افشا کنند و نیروهای راستین انقلاب را از زبان‌های جبران‌ناپذیر این گرایش‌ها بر حذر دارند.

۲. از لحاظ موضع‌گیری سیاسی و اجتماعی

از این دیدگاه در بخش موثر و تعیین‌کننده حاکمیت کونی یعنی اکثریت مجلس شورای اسلامی، دولت و شورای عالی قضایی، دادگاههای انقلاب، کمیته‌ها و سپاه پاسداران ۳ گرایش مشخص شهید است که با خصیصه‌های انحصارطلب و واقعیین و روشن‌بین می‌توان آن‌ها را تعریف کرد.

جناح انحصارطلب حاکمیت که خصیصه آن عبارت است از افراطی‌گری تفرقه‌گرا، امتناع از بهر سبب شناختن هر گونه حق برای دگراندیشان - حتی حق دفاع از مین، ضدانقلاب و دشمنان، در موارد با کمال تأسف نه‌چندان نادر حق زندگی کردن - هنوز نیرومند است و با ایجاد جو فشار، مجموعه اقدامات حاکمیت را تحت‌تأثیر موضع‌گیری‌های زیانبار خود که موجب ناتوان کردن جبهه پایداری در برابر دشمنان انقلاب می‌گردد قرار می‌دهد.

نمونه بارز روش این جناح که بصورت حمله گروه‌های فشار به مراکز فعالیت حزب توده ایران، حتی که تمام فعالیتش در جهت پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی است، مشاهده شد و ناتوانی مقامات موثر حاکمیت در مقابل اعمال غیرقانونی این تفرقه‌گرا، فشارهایی با زباتب می‌آید که اکنون بیش از ۸ ماه است به حزب ما وارد می‌آید و از دادن مراکز حزب ما خودداری می‌شود. در حالی که این فشارها با قانون اساسی که مورد پذیرش حاکمیت است مبیشت آشکار دارد. ولی آنچه می‌تواند عنوان‌دهنده‌ی این بدبینی‌دور نظر گرفته‌شده، این است که در جریان برخورد حاکمیت با دشوارپه‌های گوناگون زندگی روزمره، در روبروش با توطئه‌های قبیح در صفحه بعد

برخوردار بود، به‌عنوان رهبر این حاکمیت جدید انقلابی مورد تأیید مردم قرار گرفت.

بازرسی تاریخی نیروهای انقلابی برپایه‌ی ماندنی سرسخت حاکمیت ضدانقلاب در ۲۲ بهمن، نظام‌دویش جدید برآمده از انقلاب بصورت دولت موقت از یکسو و نهادهای انقلابی یعنی شورای انقلاب، کمیته‌ها و دادگاههای انقلابی که زادگاه سپاه پاسداران انقلاب شده مستقر گردید.

پایگاه طبقاتی این حاکمیت جدید در دوران اولیه‌اش تمام جبهه ضدامپریالیستی و ضداستبدادی بود و دست‌بعلمت همین پایگاه طبقاتی از همان اولین روزهای استقرار حاکمیت جدید دوگرایش گام‌لا مشخصی در درون آن پدیدار گردید:

از یکسو دولت موقت که تقریباً یکپارچه در دست نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال ایران بود و از سوی دیگر جناح مردمی حاکمیت که مورد اعتماد و تأیید جناح مردمی جبهه نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستبدادی یعنی نیروهای انقلاب ایران با علازمین برانداختن استبداد، خواستار استقلال همه‌جانبه و دگرگونی‌های اجتماعی می‌شود محرومان بودند. تیرد برای تعیین سمت‌گیری انقلاب میان این دو گرایش آغاز گردید و هر روز شدیدتر شد.

در مرحله اول، این مبارزه در حاکمیت، بطور عمدی در مسئله مناسبات انقلاب ایران با امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا متمرکز می‌شد. سمت‌گیری و عملکرد جناح لیبرالی، یعنی دولت‌نماینده بورژوازی لیبرال و لیبرال‌هایی که نهادهای انقلابی جای گرفته بودند، در خط‌سازش با امپریالیسم آمریکا، نگاهداری نظام سرمایه‌داری و بزرگسالکان، سازش با کلان‌سرمایه‌داران و بزرگسالکان وابسته، کوشش برای بازگرداندن مالکان و سرمایه‌داران فراری و عفو چنانچه‌کاران بازداشت‌شده و تأمین «آزادی‌های لیبرال» برای وابستگان به امپریالیسم و موضع‌گیری دشمنانه و آشتی‌ناپذیر علیه بیرون سوسیالیسم علمی در ایران و کشورهای سوسیالیستی، و به‌تبعیت از آن، دشمنی آشکار یا جنبش‌های راه‌پیکش‌ملی و بویژه با جبهه پایداری خلق‌های عرب علیه امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم بین‌المللی قرار داشت.

در مقابل این جناح لیبرالی، سمت‌گیری سیاسی جناح مردمی حاکمیت، در عین این که به‌غرض خود بی‌بوجه از هم‌گونی و یکپارچگی در عین زمینه‌های برخوردار نبود، بطور عمدی در خط سازش با آمریکا، ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیستی و در درجه اول تسلط امپریالیسم آمریکا، مجازات خائن‌سرمه‌رندگان اصلی رژیم سرنگ‌شده، مصادر دگرگونی خائن‌ترین فراری و لزوم انجام اقدامات در جهت محدود کردن غارت غارتگران و بی‌مسود محرومان جامعه قرار داشت.

در زمینه برخورد با گرایش‌های پیرو سوسیالیسم علمی، با کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های راه‌پیکش، بین موضع‌گیری این دو جناح ضمن وجود هم‌گونی‌ها در بخش، اختلاف نظرهای جدی که ناشی از همان موضع‌گیری متفاوت در مناسبات با امپریالیسم جهانی بود، وجود داشت و هنوز هم وجود دارد.

اوج درگیری این دو گرایش در ۱۳۵۸ آبان‌ماه ۱۳۵۸ بود که از یکسو جناح لیبرال کار تدارک سازش با امپریالیسم آمریکا را تا حد دیدار و مشاوره با ریویژن‌سکی، یعنی گرداندن همه توطئه‌های خصمانه علیه انقلاب ایران، به پیش‌برد و در جهت دیگر نیروهای جناح مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب با اشغال ستاد اصلی ضدانقلاب و توطئه، یعنی جاسوسخانه آمریکا، توطئه سازش را نقش بر آب ساخت و دولت لیبرال‌ها را برکنار کرد. از این تاریخ حاکمیت جمهوری اسلامی در ترکیب تازه‌ای که به‌طور عمدی نماینده جناح مردمی نیروهای انقلابی است، مستقر گردید.

برکنارشدن دولت نماینده سرمایه‌داری لیبرال به‌این معنا نبود که لیبرال‌ها از همه دست‌کام‌های حاکمیت برکنار شده‌اند، بلکه برعکس برای مدت طولانی در شورای انقلاب نقش‌سیرام و موثری را حفظ کردند و تا تشکیل دولت جدید در شهریورماه ۱۳۵۹، تقریباً همه وزارتخانه‌ها را در اختیار خود نگاهداشته‌اند. به‌این ترتیب تا تشکیل نهادهای نظام جمهوری اسلامی، یعنی شروع کار مجلس شورای اسلامی و انتخاب دولت و شورای عالی قضایی، حاکمیت دوگانه وجود داشت و حتی گرایش لیبرالی‌سازش با امپریالیسم آمریکا در عملکرد دولت و بویژه وزیر خارجه آن، حاکم بود. تنها با آغاز کار دولت جدید است که می‌توان گفت حاکمیت جناح مردمی بر جناح لیبرالی برپایه نسبتاً محکمی استوار گشته است.

روند گسترش انقلاب شکوهمند مین ما را کند می‌کند و در عمل آبه‌آسیاب امپریالیسم و ضدانقلاب می‌زدید و به بورژوازی لیبرال ضربه‌خورده امکان می‌دهد که از آن به‌زبان انقلاب بهره‌گیری نماید.

این ویژگی‌ها در یکسو قرار ندارد: هم در آنچه است و هم در راست، درحالی که منشاء پیدایش هر دو گرایش «چپ» و راست همان اقتدارخیزه بورژوازی هستند.

این ویژگی‌ها را در سمت راست در جبهه گروه‌های متجاوز، فاشیست‌مآب، چاق‌قادر و گردانندگان آن می‌بینیم. این شیوه که امروز مسلماً جولانگاه عناصر ناشناخته ضدانقلاب و سوارگر دیده و کم‌کم علیه همان محافظی وارد عمل شده‌اند که ابتدا خود در وجود آوردن آن موثر بوده‌اند، محصول برانداختن انحصارگرانه از قدرت برای سرکوب هر نظر مغایر یا نظریات تک‌بشیرین آن است.

دواج این شیوه موجب می‌شود که تنگ‌نظران از یکسو میدان جبهه متحدنیروهای راستین انقلاب را تنگ‌کنند و گردان‌های ارزشمندی را که می‌توانند در این میدان، در تیرد مشترک برای عمده‌ترین آماج‌های همگانی محرومان جامعه فنانه و سازنده شرکت‌نمایند، از این میدان خارج‌سازند و از سوی دیگر راه را برای نفوذ فرصت‌طلبان و عوامل دشمن که خیلی زود می‌توانند به رنگ و ماسک ریا و ترویج برچیزه خود بزنند، به درون صف مبارزان انحصارطلب باز نمایند. تجربه تاریخی نشان داده که صف گروه‌های انحصارطلب خیلی زود جولانگاه مناسبت دشمن می‌شود.

در سمت «چپ»، همین انحصارطلبی و مطلق‌گرائی و خودمحموری در میان آن گروه‌های چپ‌گرا دیده می‌شود که افراد آن به‌طور عمدی مانند انحصارطلبان راست‌گرا و تفرقه‌گرای در موضع‌گیری‌های خود صداقت‌دارند، ولی به‌عملت همان ویژگی‌های برانحرف‌عملا در سمت‌گیری نادرست نسبت به ضروریات انقلاب در لحظه تاریخی کونی قرار گرفته‌اند. در این مورد هم اقدامات آشوبگرانه، تشنج‌انگیز، تخریبی یعنی اعمال فشار و توسل به قهر برای تحویل نظریات تک‌گروهی به دیگران، چنانچه برخورد خلاق انقلابی می‌شود. ما شاهد آن هستیم که این روش‌ها عیناً مانند انحراف سرکوبگرانه راست‌گرایان، میدان رشد انحراف‌زورمدارانه چپ‌روها یعنی نوعی از گرایش‌های «انقلاب‌فرهنگی» ماتوئیستی که عاقبتش به شیوه‌های وحشیانه تالیپوت‌ها پایان می‌یابد، گردیده‌اند. قهری‌گری در مقامات حاکمیت موجب اشتباهات، زیاده‌روی‌ها، و در پیامد آن‌ها، زبان‌های جبران‌ناپذیر در زمینه از دست دادن نیروهای سازنده انقلاب از یکسو و از دست دادن امکانات و فرصت‌های گرانبها در بسیاری از زمینه‌ها از سوی دیگر گردیده و تفرقه‌گرای و خودمحموری در «چپ» موجب دست‌یازی به اقدامات تخریبی، تفرقه‌جویانه شده، و پیامد هر دو این گرایش‌ها آن است که میدان برای فعالیت دشمنان انقلاب و بهره‌گیری لیبرال‌های سازشکار و تسلیم‌طلب بطور چشم‌گیری ساعد گردیده است.

توجه به این عوامل ۳ گانه اهمیت و ارزش تاریخی دستاوردهای انقلاب را چشم‌گیری می‌سازد. این خود تشنه نیروی عظیم توده‌ای و مردمی انقلاب است که علیرغم همه این عوامل منفی توانسته است هر روز در سمت‌گیری‌های اساسی، یعنی مبارزه برای ریشه‌کن‌ساختن سلطه امپریالیسم، مبارزه برای ریشه‌کن ساختن آثار استبداد سلطنتی و مبارزه برای محدود‌ساختن امکانات غارتگری بزرگسالکان و کلان‌سرمایه‌داران و تأمین آزادی و شرایط زندگی بهتر برای محرومان جامعه، دستاوردهای خود را گسترش دهد.

حاکمیت در دوران پس از پیروزی انقلاب

مهم‌ترین پیام‌پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در هم‌تک‌شدن سلطه غارتگری امپریالیستی-سرکوبگری امپریالیسم آمریکا بر مین، و سرنگ‌شدن حاکمیت رژیم استبدادی سلطنتی بود که در حقیقت چیزی جز تبلور حاکمیت بزرگسالکان و کلان‌سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی خاندان پهلوی نبود. با سرنگونی حاکمیت این نظام، امرای امپریالیسم رسیدن نیروهای جبهه ضدامپریالیستی و ضداستبدادی که در آن طیف پهناوری از نیروها منجمله کارگران دهقانان، پیشروان، کسبه، روشنفکران و سرمایه‌داری لیبرال قرار داشته، هموار گردید. در این جنبه گرایش‌های گوناگون سیاسی، از طیف وسیع هواداران اسلام تا پیروان شیخین سوسیالیسم علمی، شرکت‌داشتند. برجسته‌ترین شخصیت مذهبی-سیاسی و اجتماعی در این امر اخیر جامعه ما، امام خمینی، که با مبارزه پیکر و آشتی‌ناپذیر خود علیه نظام وابسته و مستبد سلطنتی و تسلط امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا از اعتماد وسیع‌ترین اقشار خلق‌های مین ما

قیه از صفحه قبل

جنبش انقلابی و اختلاف نظر جدی آنان با سمت‌گیری قاطع ضدامپریالیستی، ضدغارتگری و مردمی امام‌خستین، بهترین معرف ماهیت سیاسی این تفرقه‌گرای بورژوازی بود. با توجه به خصوصیات طبقاتی این قشر کارآفرین بود که هر امرای آنها با انقلاب مشروط بوده‌است و بدون تردید، در صورت پیروزی انقلاب و بیرون رفتن آن از چهارچوب موده‌علاقه لیبرال‌ها، تمام نیروی خود را برای ترمز کردن پیشرفت انقلاب و در صورت توانایی بازگرداندن آن به چهارچوب مورد نظر به کار خواهند انداخت.

درست‌بیرای همین شناختن ویژگی‌های دوگانه این تفرقه بود که شازده‌هین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در تحلیل سیاسی خود در زمینه روند آینده انقلاب به این نتیجه رسید که:

«... حال این سؤال پیش می‌آید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضع‌گیری اقتدار و طبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود؟ ... مسلم آن است که طبقه کارگر و به همراه این طبقه سایر قشرهای زحمتکش شهر و روستا با تمام قوا برای رسیدن به همه هدف‌های که انقلاب ملی و دمکراتیک در پیش دارد، تلاش خواهد کرد و تا آخر یگیرالهدرومواضع انقلابی خواهد ایستاد ...»

... مسلم است که سرمایه‌داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، می‌کوشد جنبش را در چهارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آن را تصفیه نماید. تجربه همه انقلاب‌ها نشان داده است که با گذشت جنبش انقلابی در جهت خواست‌های طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه‌داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب دور گرداند و با باقی‌مانده‌های نیروهای ضدانقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکش به کاراندازد. باید انتظار داشت که درون جنبش انقلابی مین ما هم همین پدیده‌ها رشد کند. حتی پیش از پیروزی انقلاب، سرود صدهایی از عذرهایت این یعنی از محتوای مترقی نظریات آیت‌الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به گوش می‌رسید و این عذرهایت روز به روز شدت پیدا می‌کند. این جناح می‌کوشد تا انقلاب را در چهارچوب رفراژدم برای اعلام جمهوری، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادی‌های دمکراتیک نگه‌دارد و در زمینه اقتصادی همان راه‌فلاکت سرمایه‌داری را ادامه دهد.

این بود از زبانی حزب توده ایران در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب، و تیرم و نور سال گذشته درستی بدون کوچکترین خدشه این از زبانی را به‌وسیله ترین اقتدار توده‌های محروم جامعه ما و بویژه به بخش عظیمی از مبارزان انقلابی که در آن زمان با این از زبانی موافقتی نداشتند، نشان داد. تنها یک نمونه از این رشد شناخت می‌تواند این تحول عظیم را نشان دهد. آیت‌الله سهروردی که در روز جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ در همدان ضمن خطبه در نماز جمعه، از زبانی زیر را درباره نقش این تفرقه می‌دهد:

«... قبل از انقلاب خیلی‌ها با ما بودند، ولی بعد راهشان جدا شد و خیلی از تفرقه نیز روش خود را تفرقه دادند و اکنون از موقعیت سواستفاده کرده و سودهای کلان به‌بویژه‌تواند این‌ها... مردم را ناراضی می‌کنند و به انقلاب ضربه می‌زنند. بورژوازی لیبرال ایران با تمام نیروی سیاسی و اقتصادی خود در دو سال اخیر و بویژه در ماه دولت دگرگامی‌گام که تقریباً بطور یکسره در اختیار نمایندگان سیاسی این تفرقه قرار گرفته بود، کوشید تا از گسترش انقلاب و سمت‌گیری ضدامپریالیستی و خلقی‌اش ریشه در جهت برانداختن همه‌جانبه هر گونه تسلط امپریالیستی بر زندگی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما و در جهت محدود‌ساختن غارت طبقات مالک و سرمایه‌دار بی‌مسود محرومان جامعه جلوگیری نماید. خط‌سازسی سیاست لیبرال‌ها عبارت بود از نگهداری کامل نظام سرمایه‌داری و بزرگسالکان گذشته در ایران و نگهداری مناسبات یکجانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی آمریکا، با برخی تعدی‌ها و اگر برقراری مناسبات گذشته با آمریکا موقتاً میسر نباشد، تحکیم این مناسبات با ازبای غریب و زاین. مسلم است که چنین سیاستی جوابگوی «حق‌اقل» خواست‌های آمریکا و هم‌دست‌تاش‌دزیران است، چون آمریکا این سیاست را به درستی مانند جاسوس‌کن بازگشت مناسبات گذشته، یعنی برقراری تسلط چپ‌می امپریالیسم بر تمام شئون زندگی اجتماعی مین ما از زبانی می‌نماید.

۳) پیامدهای ناشی از اشتباهات، مطلق‌گرای‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، انحصارطلبی‌ها و خودمحموری‌ها در متغیر نیروهای انقلابی.

بدون تردید این پیامدهای منفی و در مواردی بسیار منفی، در عین آن که بخش عمده آن‌را نمی‌توان به حساب دشمنی‌گانه‌ها با انقلاب گذاشت، مانند تفرقه‌زدگی

بقیه از صفحه قبل

دشمنان خارجی و درونی انقلاب، یا خرابکاری سرمایه‌داران لبرال و یا دشواری‌های روزافزون ناشی از دگرگونی‌های بنیادی در نظام وابسته سیاسی-اقتصادی - فرهنگی «آریامیری» گرایش واقع‌بینی و روشن‌بینی در حاکمیت، درجهٔ زمینه‌ها رشد می‌کند. سرعت این رشد هنوز کم است، ولی می‌توان امید داشت که زندگی، این آموزگار بزرگ، بر این سرعت بیفزاید. بدون تردید مبارزات فکری توده‌های عظیم زحمتکشان میهن ما در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران که تا بهین کلیه حقوق اقتصادی - سیاسی و فرهنگی این توده‌ها در کنار تلاش عمده برای درهم‌شکستن همهٔ توطئه‌های دشمنان انقلاب ایران به‌سرگردگی امریالیسم آمریکا، جزء جدائی‌ناپذیر آن است، این گرایش واقع‌بینی و روشن‌بینی را در حاکمیت ایران تقویت خواهد کرد.

وضع درمیدان نبرد انقلابی در لحظه کنونی

در لحظه کنونی در میهن ما مبارزهٔ تاریخی نیروهای راستین انقلاب ضد امریالیستی و مردمی در چند جنبه باشد: نبرد روزافزونی در جریان است. در این ارتباط باید این حقیقت را یادآور شد که ترکیب نیروهای خلقی و مردمی شرکت‌کننده در همهٔ این جنبه‌ها یکسان نیست و ویژگی‌های انقلاب شکوهمند میهن ما، ناشی از همین ناهمگونی ترکیب نیروها است.

الف. در جنبه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امریالیسم

در این جنبه بدون تردید دشوارترین و سرنوشت‌آفرین‌ترین نبرد نیروهای راستین ضد امریالیستی علیه سیاسی و توطئه‌های زنگارنگ دشمنان انقلاب ایران یعنی امریالیست‌ها و ارتجاع جهانی و ضد انقلاب داخلی به‌سرگردگی امریالیسم آمریکا، در جریان است. این مبارزه در تمام شئون زندگی اجتماعی در میدان‌های نبرد سیاسی - نظامی، اقتصادی و فرهنگی باشد. بی‌سابقه‌ای جریان دارد. امریالیسم جهانی و سرسپردگانی در ایران، تمام نیروی جنبه خود را به کار انداخته‌اند تا انقلاب ایران را با یکسخت‌ترین و پرمسازنده‌ترین و اوضاع گذشته را بازگردانند.

در این نبرد ۴ نیرو فعالانه شرکت دارند: نیروهای چپ براندازی، نیروهای چپ سازش و تسلیم، نیروهای چپ پایداری و نیروهای یبانی.

۱. نیروهای چپ براندازی

که مستقیماً زیر رهبری امریالیسم آمریکا عمل می‌کند، به‌طور هم‌زمان روی ۳ نقشه که هدف همه آنها یکی است و تنها راه‌های رسیدن به آن متفاوت است، عمل می‌کند. این ۳ نقشه به ترتیب عبارتند از: نخست برانداختن حاکمیت کنونی و روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو، نظیر دولت «گامبه کامپوت» یعنی دولتی که «منافع حیاتی» آمریکا را در ایران و منطقه تأمین و تضمین کند؛

دوم تدارک یک کودتای ضد انقلابی از راه نام‌زدن هر چه وسیع‌تر به تنجیحات داخلی برای جلوگیری از تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی و تدارک زمینه برای یک اقدام قهرآمیز ضد انقلاب سازمان‌یافته در ایران در ارتباط مستقیم با دخالت نیروهای ضد انقلاب در خارج از کشور به کمک دولت‌های ارتجاعی منطقه که در جنبه دشمنان انقلاب ایران مصفندی کرده‌اند. خبرهای تردیدناپذیری در دست است که دولت‌های مصر، ترکیه، عراق، عربستان سعودی، عمان و پاکستان دست در دست ضد انقلاب ایران به‌رهبری اشرف اویسی و بختیار در این نقشه دست‌اندر کارند و ستادهای خارجی نیروهای وابسته به این نیروهای ضد انقلاب هم‌اکنون علاوه بر پایتخت‌های کشورهای عمده امریالیستی یعنی واشنگتن - لندن - پاریس در پایتخت‌های کشورهای یادشده در بالا نیز مشغول شدیدترین فعالیت هستند.

سوم تقشتمنای دخالت مستقیم نظامی امریالیسم. امریالیسم آمریکا نیروی عظیم نظامی در منطقه موجود آورده است. این واقعیتی است که چنین تمرکز نیروی آسوی امریالیسم پس از جنگ دوم جهانی بی‌سابقه است. اکنون بیش از ۶۰ تانک جنگی آمریکا و انگلیس و فرانسه و ده‌ها هزار سرباز متجاوز امریکایی در نزدیکترین فاصله از سرحدات ایران، دست در دست نیروهای بزرگ نظامی وابسته و زیر فرمان امریالیسم یزدی، مانور می‌دهند و آماده می‌شوند تا در صورت شکست توطئه‌های دیگر امریالیستی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران، مستقیماً وارد عمل شوند. تصور این که آمریکا از تجربه تلخ تجاوز در ویتنام درس گرفته و یا این که به‌علت وجود اتحاد شوروی در شمال ایران، به‌بیتن ماجرای خودفاکی دست نخواهد زد درست نیست. یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ دوم

گزارش هیئت سیاسی به هیئت مرکزی (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

جهانی همان ماجراجویی بیرون از هرگونه «منطقه‌ساله» سیاسی است. حزب توده ایران بارها و بارها در مورد اینگونه ماجراجویی‌های سیاست خارجی امتیلاجویانهٔ امریالیستی و بویژه امریالیسم هار و متجاوز آمریکا هشدار داده و رویکردهای تاریخی-واقعی‌ی، درستی این هشدارها را تأیید کرده‌اند.

یکی از عواملی که بویژه دست‌یازی امریالیسم آمریکا را به‌چنین ماجراجویی تشویق می‌کند، همانا وجود یک موضع‌گیری شدید خصمانه نسبت به جنبه جهانی سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، نه تنها توسط بازماندگان طبقات حاکم ارتجاعی یعنی غارتگران بزرگ مالک و کلان‌سرمایه‌دار و ضد انقلاب آریامیری، بلکه علاوه بر آن‌ها در میان بخش مهمی از حاکمیت کنونی ایران است.

تجزیه تلخ ۲۸ مرداد نشان داد که دنبال کردن یک چنین سیاست دشمنانه نسبت به نیروهای بیرو سوسیالیسم علمی در ایران و در جهان می‌تواند راه را برای تدارک کودتای امریالیستی - ارتجاعی و یا لاقط برای روی کار آمدن یک دولت میانه‌رو و عاقله که به گفته مقامات امریکایی شامن نگهداری منافع آمریکا در ایران و در منطقه است، هموار سازد.

آمریکا از تجربه افغانستان که در آن بخش قابل توجهی از نیروهای موثر جمهوری اسلامی ایران، عملاً در دام توطئه‌های براندازی امریالیسم آمریکا افتادند و به‌جای آن که در جهت خشن ساختن این توطئه خطرناک امریالیستی آمریکا و پاکستان و چین که کامیابیش مستقیماً خطر عظیمی برای جمهوری اسلامی ایران بوجود می‌آورد گام بردارند، عملاً در جهت حمایت از آن اقدام کرده و می‌کنند بهره‌گیری و نتیجه‌گیری می‌کند و به همین علت با تمام نیروی و امکانات خود در جهت تبلیغاتی «خطر کمونیسم»، «خطر حمله شوروی»، «خطر کودتای حزب توده ایران» را یاد کرده و به‌فضا می‌فرستد تا درست مانند هفته‌های پیش از ۲۸ مرداد زمینه را برای توطئه خود آماده سازد.

۲. نیروهای چپ سازش و تسلیم

نیروهای مشخص چپ براندازی در درون کشور عبارتند از بقایای وابستگان رژیم سرتکون شده، یعنی بزرگ‌مالکان، کلان‌سرمایه‌داران وابسته، سرمایه‌داران و مزدوران آن رژیم؛ یعنی ساواک‌ها و نظارتشان در دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح؛ اوباش و جاسوسان و هروئین‌فروشان و زندان و قاچاقچیان حرفه‌ای که همیشه در خدمت ساواک بوده‌اند. به این نیروها اضافه می‌شوند ستون پنجم سیاسی آمریکا که به‌صورت گروه‌های فلتشیت‌ماب چپ‌نمای چینی-آمریکایی مانند «فرنجیر»، «فیکاری‌ها»، «اتحادیهٔ کمونیست‌ها»، «دکوله»، جناح قاسلو در حزب دمکرات کردستان و ایران و سایر نهادهای ضد انقلابی در کردستان و بلوچستان و نظارتشان فعالیت می‌کنند. عملکرد این گروه‌ها از بدو پیدایش تا کنون به‌طور یکپرده در جهت تفرقه‌اندازی در میان نیروهای راستین انقلاب و متشیخ ساختن محیط برای هموار ساختن راه فعالیت ضد انقلاب است. این پدیده، تنها ویژهٔ انقلاب ایران و جامعهٔ ایران نیست. این که پدیده جهانی است و ترمیم روشن و سادهٔ آن همان چپ‌آمریکایی است. نقش چپ‌آمریکایی هینا همان نقش اسلام آمریکایی است. اگر توانست در جاتی قدرت دولتی را بقبضد، سیاست جنایت‌بار «هولودو» و «حفظ‌الله‌امین» را در کامیوج و افغانستان تکرار خواهد کرد تا توده‌های مردم را از کمونیسم واقعی بیزار کند و اگر نتوانست، آن وقت نقش تفرقه‌انداز خود را برای جلوگیری از گسترش و به‌هم‌پیوستگی جنبش انقلابی و پس از پیروزی برای ناکام ساختن و درهم‌شکستن انقلاب ایفا خواهد کرد. در شیلی و پرتغال نقش این جنایتکاران به‌بازترین شکلی نمایان گردید و اکنون انقلاب مبین ماجولانگام آنان است.

با کشورهای شرقی عرب و جهان، خودداری از پشتیبانی از جنبش‌های رها می‌بخش ملی و بویژه جنبش خلق فلسطین، کنار آیند. خلاصه آرزوی این نیروهای ارتجاع است از تحمیل یک راحل شبه ترکیهٔ دوران پیش از کودتای نظامی و یا یونان و اسپانیا و پرتغال، یعنی نظامی که ظاهر دو گرانتیک داشته باشد ولی در زمین حال با هزاران زنجیر به اردوگاه امریالیستی وابسته باشد. این نیروها متحد پذیرش نظام سلطنتی مشروطه آماده سازش و عقب‌نشینی هستند.

در لحظه کنونی که این نیروها به‌میزان زیادی از حاکمیت برکنارند، هدف فوری و مرم آنان یا هدف حداقلی چپ‌براندازی یعنی امریالیسم و ضد انقلاب کاملاً منطبق گردیده است و هر دو تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا دولت کنونی را سرنگون کنند و دولت میانه‌رو و معتدل و عاقله جایگزین آن سازند که دابروستهٔ ریگان آن را حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و منطقه - تکرار می‌کنیم حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و در منطقه - می‌داند و امیدوار است که با روی کار آمدن چنین دولتی «منسبیت تنگ‌تنگ» گذشته تجدید شود.

سازمان‌های سیاسی مشخص این اردوگاه عبارتند از «جنبهٔ ملی» و «گروه‌ها» و گروه‌های وابسته به آن، «نهضت آزادی»، دفتر هماهنگی مردم یا رئیس‌جمهور و گروه‌های کوچک‌تری مانند «جهان» و نظائر آن هم هستند که ضمن دعوی استقلال داشتن نظریات ویژه در عمده‌ترین موضع‌گیری‌ها از این جنبه تبعیت می‌کنند. نمایندگان سیاسی این جنبهٔ سازش و تسلیم یک رنگ و یک صوت نیستند و از طیف رنگارنگی تشکیل می‌شوند که یک‌طرفهٔ آن انشال امیر نظام و تفرقه و مراعاتی و برخی دیگر از روشنفکران وابسته به امریالیسم و به‌طور دقیق آن شخصیت‌های لبرال مانند مهندس یازگان قرار گرفته‌اند، یعنی کسانی که مانند او واقف یک لبرال آب‌کنیده هستند یعنی مسادفانه و با اعتقاد از نظام سرمایه‌داری دفاع می‌کنند و از شنیدن نام کارگر و دهقان و پیشمرد و زحمتکش و حقوق این زحمتکشان دچار تشنج عصبی می‌شوند و بر همین پایه هم مسادفانه و با اعتقاد در دام امیر نظام‌ها و «امیر نظام‌های هنوز رسوا نشده می‌افتند و به دست آن‌ها اداره می‌شوند.

۳. نیروهای چپ پایداری

اکثریت مطلق کارگران و دهقانان و اشرار زحمتکش پیشمرد و کسبه و روشنفکر، مبارزان دلیر جنبهٔ ضد امریالیستی و ضد استبدادی که در سیاه پاسداران، بسیج مستضعفان و داوطلبان جهاد سازندگی می‌کنند که گویا با کنار زدن حاکمیت کنونی از قدرت حاکم (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم‌ترین سندی که در سر راه گسترش و انقلابی انقلاب وجود دارد، شکسته خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکم به‌صورت «نیروهای رادیکال انقلابی» (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همان‌طور که میدانیم تجربهٔ بسیاری از انقلاب‌ها و در دوران نزدیک، تجربهٔ انقلاب پرتغال، مبارزترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای در فکری ممکن است از این گونهٔ آرزوی‌های خیالی‌رسانه و ماجراجویانه برای سرنوشتهٔ انقلاب به‌پایر آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست ارتجاعی انحصار طلب است که با اقدامات ضد آزادی خود موجب تشدید نقایق و چندصدگی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امریالیستی و مردمی میهن ما شده‌اند.

انقلابی کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و جنبش‌های راستین رها می‌بخش ملی و کشورهای که در آن‌ها این نیروها قدرت دولتی را در دست دارند، تکیه کنند. این پشتیبانی می‌تواند تاکنون، چه در دوران نبرد تاریخی برای سرنگونی رژیم سلطنتی و چه در دوران نبرد برای تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی و چه در مبارزه علیه توطئه‌های زنگارنگ امریالیسم آمریکا و هم‌دستانش و بویژه در جریان محاصرهٔ اقتصادی کمک‌های گرانبهای به انقلاب ما کرده و بیرون‌زدگی این پشتیبانی در همهٔ ابعادش در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

۴. نیروهای یبانی

در کنار ۳ اردوگاه عمدهٔ میدان نبرد کشور ما نیروهای یبانی دیگری به‌صورت سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که هویت دوگانه از خود نشان می‌دهند: از یک طرف سیاست خود را در چهارچوب مواضع پیگیر و آشتی‌ناپذین ضد - امریالیستی اعلام می‌دارند و از طرف دیگر در عمل یا جنبهٔ نیروهای سازشکار و تسلیم طلب و حتی دموادری یا نیروهای براندازی حکامی دارند.

این نیروهای یبانی که به‌طور مشخص در یکی از ۳ اردوگاه سیاسی بالا قرار نگرفته‌اند عبارتند از: سازمان مجاهدین خلق، گروه اقلیت سازمان چریک‌های فدائیان خلق و گروه‌های چپ‌گرای نظیرشان مانند راه کارگر. البته این گروه‌های یبانی در مواضع یگانه قرار ندارند، و در زمین‌زدگی نسبی یا یکدیگر، بویژه در عملکرد سیاسی اختلافات جدی با یکدیگر دارند. این نیروها به‌طور عمده در مواضع ضد امریالیستی و ضد استبدادی و هواداری از خواستهای خلق جای گرفته‌اند، ولی در عمل، در ارزیابی دقیق لحظهٔ دچار چهره‌پردازی جدی شده و در پیامد این موضع‌گیری چپ‌روانه که آن‌ها را به اقداماتی در جهت تضعیف و براندازی حاکمیت کنونی، یعنی اکثریت مجلس و دولت کشانده است، عملاً با لبرال‌ها و نیروهای خواهان براندازی جمهوری اسلامی در یک جنبه قرار گرفته‌اند. تحلیل می‌کند که این نیروها برای موضع‌گیری خود ابراهه می‌دهند بر این پایه است که گویا خطر صدها برای سرنوشتهٔ انقلاب ایران، حاکمیت کنونی است و نه امریالیسم در درجهٔ اول و نه سرمایه‌داری لبرال به‌عنوان جاسوسان کن بازگشت آن. آنها این‌طور بیان می‌کنند که گویا با کنار زدن حاکمیت کنونی از قدرت حاکم (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم‌ترین سندی که در سر راه گسترش و انقلابی انقلاب وجود دارد، شکسته خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکم به‌صورت «نیروهای رادیکال انقلابی» (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همان‌طور که میدانیم تجربهٔ بسیاری از انقلاب‌ها و در دوران نزدیک، تجربهٔ انقلاب پرتغال، مبارزترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای در فکری ممکن است از این گونهٔ آرزوی‌های خیالی‌رسانه و ماجراجویانه برای سرنوشتهٔ انقلاب به‌پایر آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست ارتجاعی انحصار طلب است که با اقدامات ضد آزادی خود موجب تشدید نقایق و چندصدگی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امریالیستی و مردمی میهن ما شده‌اند.

همان‌طور که میدانیم تجربهٔ بسیاری از انقلاب‌ها و در دوران نزدیک، تجربهٔ انقلاب پرتغال، مبارزترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای در فکری ممکن است از این گونهٔ آرزوی‌های خیالی‌رسانه و ماجراجویانه برای سرنوشتهٔ انقلاب به‌پایر آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست ارتجاعی انحصار طلب است که با اقدامات ضد آزادی خود موجب تشدید نقایق و چندصدگی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امریالیستی و مردمی میهن ما شده‌اند.

همان‌طور که میدانیم تجربهٔ بسیاری از انقلاب‌ها و در دوران نزدیک، تجربهٔ انقلاب پرتغال، مبارزترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای در فکری ممکن است از این گونهٔ آرزوی‌های خیالی‌رسانه و ماجراجویانه برای سرنوشتهٔ انقلاب به‌پایر آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست ارتجاعی انحصار طلب است که با اقدامات ضد آزادی خود موجب تشدید نقایق و چندصدگی در میان نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امریالیستی و مردمی میهن ما شده‌اند.

پایه از صفحه قبل

مخالفتی را یا موضعگیری سیاسی اجتماعی خود، حتی برای همکاری در یکجبهه، تحمل کند، در هاندن بسیاری از افراد که به فکر مستقل و ارزیابی مستقل معتقد هستند، بسیار موثر است. بدون تردید این انحصارطلبی ها یکی از مهم ترین سدهای خطرناک در برابر مهم ترین ضرورت میر انقلاب، یعنی اتحاد همه نیروهای است که هوادار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در سمت گیری های ضد امپریالیستی هستند. تجاوزات آشکاری که از طرف گروه های فشار به حقوق دموکراتیک مندرج در قانون اساسی وارد آمده، در تشدید این پدیده تأثیر بسیار جدی داشته است.

به در جبهه نبرد برای تأمین آزادی های دموکراتیک

این که دستگاه تبلیغات امپریالیستی و ضدانقلاب و سازشکاران و تسلیم طلبان ادعا می کنند که گویا در ایران دزمینه محدودیت آزادی تفسیر محسوس رخ نداده و استبدادی سرنگون شده و استبدادی دیگر جای آن را گرفته، بلکه دروغ بیروا و مردم فریبی است. این ادعا بیش نیست. واقعیت این است که یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما همین درهم شکستن کابوس وحشتناک اختناق ساواکی و پرسیست شناختن آزادی های فردی و اجتماعی است. ولی البته نمی توان گفت که آزادی های به دست آمده و تأمین شده در جامعه انقلابی ما همان حد معقول و منطقی آزادی های است که باید در پیامد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی تأمین و تضمین و تثبیت شود. به تئیمت از محتوای طبقه وسیع نیروهای که در انقلاب میهن ما شرکت داشته اند، مفهیم و چارچوب های گوناگونی برای آزادی دیدمان میبازازت سیاسی کشور، وجود دارد و هر گروه به پیروی از موضع گیری طبقاتی خود آزادی را برای طبقه خود نامحدود و برای طبقات دیگر به تناسب تضادی که یا آن دارد، محدود و محدودتر می خواهد.

تصرف راسد گرا در جبهه حاکمیت از آزادی مطلق بدون هیچ گونه پابندی به قانون اساسی برخوردارند، آن ها که خود را حافظ و نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی می کنند، به خود اجازه می دهند نه تنها در حرف ها و در نشریات خود، بلکه عملاً آن چه را که این قانون در زمینه تضمین آزادی های فردی و اجتماعی در نظر گرفته است، لگدمال کنند، به جمیع سخنرانی ها و دفاتر و مراکز فروش کتاب هم سازمانی که موافق مطلق نظریات آنان نباشد، حمله برند و بسوزانند و افراد را مجروح کنند و به کمک افراد خود در نبردهای انقلابی علیه آنان بپردازند و مردم کم آگاه را علیه آنان بفراراند. این گروه های هوادار چماق و کمانی که به بقول سرمقاله نویسی روزنامه اطلاعات (بسم ۵۹) اولین اقدامات درخشان آنان را به دیده تحسین نمی نگریستند، بهترین امکان را برای ضدانقلاب و ماجراجویان حرفه ای فراهم کردند. آن فراموش کردند که برای ضدانقلاب خریدن چند صد مزدور قاچاقچی و هوشیار فروش همان به لب آمده و جاسازن آنان در صفوف هواداران حزب الله و تحریک جوانان منتصب کم آگاه، از آبخوردن آسان تر است. به این ترتیب این حامیان جمهوری اسلامی بهترین وسیله را در اختیار نیروهای براندازی برای ناتوان ساختن جمهوری اسلامی، در اختیار ضدانقلاب گذاشتند تا در سایه تشدید تنشجات اجتماعی و ایجاد جنگ داخلی زمینه را برای کودتای ضد انقلابی آماده سازد و به سازشکاران و تسلیم طلبان امکان دادند که با مردم فریبی از این رویدادها بهره گیری کنند، خود را هوادار قانون و آزادی بپوشانند و قس و سیمی از مردم را که به طور طبیعی و به حق خواستار آرامش و نظم و حکومت قانون هستند، جذب کنند.

ضدانقلاب خواستار آزادی مطلق دوران دولت گام به گام برای خود محدود کردن آزادی های بیکرترین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد استبدادی است. او به داشتن روزنامه هایی مانند «تجرب» و «صدالت» و غیره اکتفا نمی کند و خواستار انتشار «آیندگان» و «پایدار» و «تبران امروز» و... خواستار آزادی تظاهرات ساواکی ها و جبهه دموکراتیک ملی، ترسها و شبنم دقیری ها و مقدم مرغاهی است، خواستار فعالیت علنی حزب جمهوری خلق مسلمان و گروه های شبیه به آن است، درین حال که خواستار تعطیل سازمانهای بیکر انقلابی مانند حزب توده ایران است.

ضدانقلاب فریاد عدم آزادی می کند، درین اینکه به طور نسبی از وسیع ترین آزادی برخوردار است. ضدانقلاب که در سایه عمل تصویب راسد گرا یا کمالات آزادی، به تظاهرات مخالف خود با سنگ و چماق و اسلحه گرم حمله می کند، کتاب فروشی ها را به نام حزب اللهی آتش می زند، کلوب های احزاب و دستجات ضد امپریالیستی را غارت می کند و تحت حمایت لیبرال ها و وابسته گیری از شیوه های چاق داران راست گرا آن قدر جسور شده است که دیگر به سخنرانی ها و حتی به مراکز حزب جمهوری اسلامی که مهم ترین سازمان سیاسی انقلاب دولتی و اکثریت مجلس شورای اسلامی است، حمله می کند.

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

ضدانقلاب خواستار آن است که این «آزادی» برای براندازی را قانونی کند. به این ترتیب دیده میشود که در حقیقت بخشی از نیروهای قشری افراسی که در میدان نبرد برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی بیکرانه رودر روی دشمنان انقلاب موضع گرفته و جان فشانی می کنند، در میدان نبرد برای تأمین عملی آزادی های فردی و اجتماعی تضمین شده در قانون اساسی، به موازات دشمنان انقلاب یعنی طرفداران کین آزادی های ضروری برای قوام گرفتن نظام جمهوری اسلامی عمل می کنند.

چنین است، با کمالات تاسف دیگری از وزیر گویای زنیانبار مرحله کونی انقلاب ایران. طیف نیروهای سازشکار و تسلیم طلب هم خواستار همین آزادی ها در همین چهارچوب هستند. مهندس بازرگان رئیس دولت موقت که سیاستش تیلور خواست های سرمایه داری لیبرال ایران بود، در همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب که آزادی مطلق برای «مهران مصور» و «آیندگان» و ساواکی ها، تأمین شده بود، بازها دزمورد آزادی فعالیت حزب توده ایران، قانون سیاه ۱۳۱۰ رضاخانی را مطرح کرد و آن قانون سیاه را شروع شناخت. این بهترین نمونه آن آزادی است که لیبرال ها برای آن سینه می زنند. در سایه چنین آزادی مطلق برای ضدانقلاب، برای فلج کردن نیروهای بیکر انقلابی و لپا بزدن به این نیروها زیر پرچم قوانین رضاخانی، سازشکاران می توانند به بهترین وجهی نقش تاریخی خود یعنی نقش «جاده صاف کن» برای هموار ساختن راه بازگشت وابستگی امپریالیستی را ایفا کنند.

در برابر این ۳ جریان، هواداران واقع بین و روشن بین پیرو خط امام و نیروهای سالم و پیرو سوسیالیسم علمی قرار گرفته اند که خواستار اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی در تمام ابعاد هستند، یعنی تأمین و تضمین آزادی برای همه آن نیروهای که خواستار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن ما و به بیان دیگر ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی و جلوگیری از بازگشت غارتگران، خلع ید از طبقات حاکم و پشتیبان رژیم طاغوتی یعنی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته، انجام دگرگونی بی بنیادی به مسود محرومان جامعه و خلاصه تأمین استقلال کامل سیاسی - نظامی - اقتصادی فرهنگ میهن ما با تکیه به نیروی لایزال خلق های محروم. سخن کوتاه آزادی برای پیش بردن انقلاب، نه برای براندازی آن. آزادی برای پیشرفت اجتماعی، نه برای تحمیل سیرمقرامی. آزادی برای کمک و جان فشانی در راه انقلاب، نه برای خرابکاری و توطئه و تحمیل امتحانی دیگر. توده های ده دهایی میلیونی کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران زحمتکش، هوادار یاریجاری این آزادی هستند و برای آن بیکرانه نبرد می کنند.

این است به طور خلاصه و عمده ویژگی های ۳ اردوگاه سیاسی در لحظه کونی جامعه ما.

ج. در میدان نبرد برای دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی

سومین آماج انقلاب شکوهمند میهن ما که دهها هزار نفر از محرومان جامعه - از زحمتکشانشهرها و آوارگان روستاها، جان خود را برای پیروزی آن فدا کردند و صدها هزار دیگر سلامتی خود را در راه آزادی دادند، این بود که نظام اقتصادی - اجتماعی رژیم وابسته استبداد سلطنتی متکی به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران برجسته شود و به جای آن نظام عادلانه ای برقرار شود که در آن ثروت های ملی و محصول کار زحمتکشان برای بهبود شرایط زندگی کوخ نشینان و زنجیران شهر و روستا به کار آید. در این میدان نبرد توده های دهها میلیونی کارگران و دهقانان و پیشه وران و کسبه خرده میا و روشنفکران زحمتکش دریکسو و بزرگ مالکان و زمین داران و تجار و سرمایه داران و خیال وسیع غارتگران زمین خوار و سفته باز و دلال و سلفرخ و میدان دار و واسطه، در سوی دیگر قرار گرفته اند.

با وجود خدمات گرانبهایی که از سوی نهادهای جوشیده از انقلاب، مانند جهاد سازندگی و هیئت های هفت نفره مامور انجام اصلاحات ارضی به مسوده دهقانان به زمین و کم زمین انجام گرفته، این واقعیت هنوز ادامه دارد که با کمالات تاسف بخش چشم گیری از نیروهای سیاسی فعال و بیکر در نبرد برای تأمین استقلال ملی هنوز به رابطه ناگوار و اجتنابناپذیری میبازازت در دام ریشه کن کردن تسلط جا برانه و غارتگرانه امپریالیستی و لزوم انجام دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی کشور به مسود محرومان جامعه و در جهت محدود کردن غارت غارتگران و سودجویان، معتقدند. دشمنان انقلاب ایران و نیروهای سازشکار و تسلیم طلب

سرمایه داری لیبرال که دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر این سمت گیری انقلاب در ایران هستند، تمام نیروی خود را برای کند کردن پیشروی در جهت این سمت گیری به کار انداخته اند و مهم ترین جنگ افزارهای آنان یکی خرابکاری در دستگاه های اقتصادی بخش دولتی، و دیگری تبلیغات وسیع تحریک آمیز و مردم فریبانه علیه هر تلاش بیکر در جهت ایجاد دگرگونی های اجتماعی به مسود محرومان جامعه است، تا آن جا که حتی با زدن پرچسب کمونیستی و ضدینتی بر جبهه بندی برای قند و شکر در دوران جنگ، می کوشند اقتدار کم آگاه مذهبی توده های مردم را علیه این گونه اقدامات برانگیزند. جبهه گیری بی سابقه بزرگ مالکان و کلان با پشتیبانی تمام زرادخانه سرمایه داران لیبرال و از گناه های تبلیغاتی شان، همچنین با پشتیبانی بخشی از روحانیان وابسته به بزرگ مالکی و سرمایه داری علیه قانون اصلاحات ارضی که هدفش ریشه کن کردن بقایای فئودالیسم از روستای ایران است، انجام می گیرد. نشان می دهد که تا چه حد جبهه نیروهای براندازی و جبهه نیروهای لیبرال سازشکار و بخشی از روحانیان وابسته به استعمارگران، دست در دست هم و متحد و آگاهانه عمل می کنند. با کمالات تاسف باید گفت که انحصارطلبی تصویب و عمل آگاهانه نامر ضد انقلابی که با گذاشتن ریش و گرفتن تسمیع خود را در صفوف مبارزان مسلمان جا زده اند و به ویژه اکنون که بسیاری از مبارزان راستین در جبهه های جنگ خون می دهند، هر روز بیشتر در پست های حساس دولتی و اقتصادی رخنه می کنند، شرایط را برای ناکام ساختن اقدامات مثبت حاکمیت آماده می سازند و به لیبرال ها امکان می دهد تا آنها کنند که تنها آن ها می توانند جریخ های اقتصادی دستگاه دولتی را به گردش در آورند. این بود بطور مختصر وضع نیروهای سیاسی بدون کشور.

نتیجه گیری

به طور کلی می توان عمده ترین پیامدهای مبارزات نخستین دوسال انقلاب را بدین سان بیان کرد: ۱- زرف تر شدن و چینی تر شدن چشم گیر انقلاب در دست گیری های اساسی یعنی در مبارزه برای پایان بخشیدن به تسلط امپریالیستی و در مبارزه برای دگرگونی های بنیادی به مسود محرومان؛ ۲- رشد و تثبیت قانونی اشکال مدیریت های شورائی در زندگی اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان شهر و روستا و در چهارچوب معینی در ارگان های اجرایی دولتی و نیروهای مسلح، گرچه این روند مثبت از آغاز تاکنون با موانعی مواجه شده و هنوز بسیار ناقص است؛ ۳- پیدایش رشد تطفه های واقعی یعنی سیاسی در بخش مهمی از نیروهای راستین انقلاب در زمینه های: روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وجود دارند؛ شناخت نسبی هواداران واقعی انقلاب در درون جامعه و دوستان واقعی انقلاب در میدان سیاست جهان امروز؛

- شناخت عمیق تر از امپریالیسم و دلائل رفتارگارت و امکاناتش؛ - شناخت یاران نیمه راه انقلاب، یعنی سرمایه داری لیبرال و نمایندگان سیاسی اش؛ - دوگردان شدن قانونمندان نیروهای سازشکار و تسلیم طلب یعنی سرمایه داری لیبرال و هم وابستگی از انقلاب و گرایش به همکاری با دشمنان انقلاب؛ - رشد و شواری های گوناگون بر سر راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب؛ - دسوارایی ناشی از عوامل عینی مانند محاصره اقتصادی امپریالیستی، دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی، خرابکاری ضدانقلاب و نقش ترمز کننده سرمایه داری لیبرال و پیامد شیوه های ماجراجویانه گروه های چپ گرا و بالاخره پیامدهای جنگ تحمیلی آمریکا - صدام به همین ما؛

- دسوارایی ناشی از عوامل ذهنی که در راس آنها ناتوانی حاکمیت کونی در اتخاذ تصمیمات سریع قطع علیه سودجویی سرمایه داران لیبرال و بازماندگان طبقات حاکم رژیم «آریمبری» یعنی سرمایه داری بزرگ تجاری و بزرگ مالکان قرار دارد. به این عامل مهم اضافه میشود. - پیامدهای انحصارطلبی نیروهای افراسی در اداره اقتصاد که به حدی یخش مهمی از نیروهای سالم هوادار انقلاب در جریان بازسازی منجر گردیده است، میدان دادن به خرابکاری عناصر ماجراجو و عوامل ضد انقلاب در ایجاد تفرقه و نفاق، و بالاخره پیامدهای ندامت کاری و خودمحوری بسیاری از کارگردانان جمهوری اسلامی و عدم توجه به پیشنهاد های سازنده نیروهای دلسوز برای انقلاب؛

- پیامدهای زیان بخش عملکرد نیروهای که در این گزارش زیر نام «نیروهای بینایی» از آنها یاد شده است. با کمالات تاسف این نیروها بجای آن که عمده توجه خود را به سمت گیری عمده انقلاب در لحظه کونی، یعنی مبارزه علیه دلائل و توطئه های امپریالیستی متمرکز سازند و با هر چه از قشری گری و انحصار طلبی چپ گرایانه و یا تکیه بر خرید و دانی خلان انقلابی و واقعی یعنی در روشن بینی در شناخت درست دشمنان و دوستان انقلاب، خصماتی ارزنده به انقلاب شکوهمند خلقی می بینان بنمایند، با موضع گیری و عملکرد نادرست خویش آب به آسیاب دشمنان انقلاب می ریزند.

به این ترتیب ما امروز شاهد این واقعیت هستیم که انقلاب ایران به موازات یک رشته پیروزی های چشم گیر تاریخی، از یکسو با دشواری های بسیار دست به گریبان است، از سوی دیگر با توطئه های روز افزون دشمنان روبرو است و از سوی سوم هنوز نتوانسته است شیوه های قاطع تجویز و گردآوری همه امکانات موجود را برای درهم شکستن توطئه های دشمنان انقلاب و جیره شدن بر دشواری ها پیدا کند.

واقع است که امام و رشد دشواری ها، نیروهای انقلاب را مانند «خوره» بیمار و ناتوان خواهد ساخت و زمینه برای پیشرفت توطئه های دشمنان انقلاب آماده تر خواهد شد. این مهم ترین نگرانی است که ذهن همه نیروهای راستین و آگاه هوادار انقلاب ایران را به خود مشغول ساخته است. این نگرانی به ویژه شدیدتر میشود اگر اوضاع یعنی کنونی ایران را در ارتباط با جریان های در نظر گیریم که در جهان امروز می گذرد و نشانگر آن است که محافل تجار کار امپریالیستی و ارتجاعی جهان به سرگردگی امپریالیسم هار آمریکا هر روز بر دامنه توطئه ها و تحریکات سیاسی و مداخلات تجار کارانه نظامی خود برای سرکوب جنبش های رهانی بخش ملی می افزایند. اشتباه بزرگی است اگر بخواهیم آن چه را که در ایران می گذرد، از مجموعه آن چه در جهان در حال تکوین است جدا سازیم. درست به همین علت لازم است که این اوضاع جهان را مورد بررسی قرار دهیم.

ب. اوضاع سیاسی جهان امروز

بدون تردید سمت گیری تعیین کننده و اساس تحولات اوضاع سیاسی جهان در جهت تغییر قاصب نیرو به مسود جبهه چپانی ضد امپریالیستی و به زبان امپریالیسم، به مسود پیشروی سوسیالیسم و به زبان حاکمیت سرمایه داری انحصاری، به مسود خلق های محروم کشورهای در حال رشد و به زبان مواضع استعمار، قرار دارد. این نیز تاریخی که با انقلاب کبیر سوسیالیستی آکتی یعنی نخستین پیروزی تعیین کننده و بدون بازگشت نیروی کار بر سرمایه آغاز گردید، در طی دوران کوتاه ۲۳ سالگی که از عمر تاریخی اش می گذرد، توانسته است چهره جهان را از ریشه دگرگون سازد و با شتابی روز افزون شرایط را برای پیروزی های دیگر خلق های محروم فراهم آورد. تنها مایه دگرگونی های جهان در طول سال های سده های که از جنگ دوم جهانی می گذرد یعنی سالهای ۵۰ و ۶۰ و ۷۰، نشانگر روشن این شتاب روز افزون است.

کافی است تنها به کامیابی های عظیم تاریخی ده سال گذشته نگاه بکنیم. حتی یک بررسی کوتاه نشان می دهد که نبرد خلق های محروم در ۳ قاره آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در این ده سال نه تنها از لحاظ کمی، بلکه از لحاظ کیفی نیز بزرگ تاریخی در جهت تکامل به پیش برداشت. با پیروزی عظیم خلق ویتنام علیه تجاوز جنایت بار امپریالیسم آمریکا که در نتیجه آن برای نخستین بار در تاریخ دو بیست ساله، یوزه این بر قدرت جانی تیشیه و متجاوز به خاک مالیده شد، دگرگونی های عظیمی در جهان به مسود خلق های محروم آغاز گردید. در فاصله میان شکست تجاوز آمریکا در ویتنام تا امروز ما شاهد آن هستیم که بساط تسلط غارتگرانه استعمار در بیش از ۱۲ کشور در مهم ترین مناطق جهان برجسته شد. در ویتنام جنوبی، لاوس، کامبوج، آنگولا، موزامبیک، گینه بیسائو، اتیوپی، بنین، افغانستان، ایران، - نیکاراگوا، زیمبابوه با پیروزی انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی رژیم های سیاه ارتجاعی وابسته به استعمار سرنگون شدند. در اکثریت مطلق این کشورها نیروهای بیکر انقلابی سرگردگی انقلاب را در دست گرفتند و سمت گیری سوسیالیستی را برای رشد آینده جامعه خود تضمین کردند. در ۳ کشور آروپای آسیاتیا، یرتغال، یونان نظام های فاشیستی فرو ریختند. این بود برجسته ترین پیروزی در جبهه نبرد خلق های محروم با امپریالیسم جهانی و ارتجاع وابسته به آن.

در نبرد بین این دو سیستم جهانی یعنی سوسیالیسم و امپریالیسم با پیشرفت های وقفه ناپذیر بزرگ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای سوسیالیستی و با تشدید انواع بحران های بنیادی در کشورهای امپریالیستی،

بقیه از صفحه قبل

تاسیب نیروها بهطور چشمگیر به سود سوسیالیسم تغییر پذیرفت.

در این زمینه کافی است بهرشد موزون وی گریز و رفته ناپذیر اقتصاد در جامعه کشورهای سوسیالیستی و به تشدید بحران در کشورهای امپریالیستی توجه کنیم.

در سال ۱۹۸۰ که پایان آخرین برنامه پنج ساله اتحاد شوروی بوده تولید صنعتی این کشور از مرز ۲۰ درصد تولید صنعتی متراس جهاد گذشت، در حالی که جمعیت آن کمتر از ۶ درصد جمعیت جهان است. برتری نظام سوسیالیستی وقتی آشکارتر میشود که در نظر بگیریم تولید صنعتی این کشور در سال ۱۹۱۳، یعنی بالاترین سطح تولید پیش از انقلاب اکتبر فقط ۳ درصد تولید صنعتی جهان بود در زمینه تولیدات کشاورزی نیز با این که در مسما از پنج سال دوره برنامه شرایط جوی بهطور کسبهای برای کشاورزی ناساعد بود، میانگین تولید غله به میزان بی سابقه ۲۰۵ میلیون تن در سال بالغ گردید. طی این برنامه درآمد سرانه واقعی مردم شوروی ۱۷ درصد افزایش یافت. بیش از ۵۰ میلیون نفر از مردم شوروی به ۱۲ میلیون واحد مسکونی نوساز نقل مکان کردند در پایان این برنامه تعداد پزشکان شوروی از مرز یک میلیون نفر گذشت. اینک برای هر ده هزار نفر مردم شوروی ۳۷ پزشک می رسد که بالاترین رقم در جهان است. تمام این پیروزیهای عظیم در شرایطی به دست آمده است که ۲۰ سال از ۶۴ سال که از انقلاب اکتبر می گذرد در راه جنگ داخلی، مداخله نظامی خارجی، جنگ جهانی و سالهای ترقیم و بازسازی ویرانیهای ناشی از این جنگها از دست رفته است. این رشد و گسترش پرشتاب و بدون درنگ در آینده نیز ادامه خواهد یافت. مثلا طبق پیش بینی برنامه پنجاه ساله ۱۹۸۱-۲۰۰۰ درآمد ملی در اتحاد شوروی ۱۸۲۰۰ درصد منابع ۲۸-۲۶ درصد و کشاورزی ۲۰-۱۴ درصد رشد خواهد داشت و میانگین تولید غلات به ۳۸۰۲۳۳ میلیون تن در سال خواهد رسید و بیش از ۵۰ میلیون نفر دیگر از مردم شوروی ۱۲ میلیون واحد مسکونی نوساز به دست خواهند آورد.

البته بلندگويان سرمایه داری جهانی که با نفوذ و کینه یابین کامیابیهای خیره کننده نگاه می کنند با تمام بوق و کرناهای تبلیغاتی خود در سراسر جهان از جمله در روزنامه های سیاه ساخته آمریکا در ایران، به تحریف این واقعیت های میان می پردازند. در کنار این بلندگويان کورولانی هم هستند که در دام این تحریفاتی می افتند و آنچه می خوانند خود را بهرودی این واقعیت ها می بینند. ولی علی رغم این تلاش مذموبخانه سرمایه داری جهانی و علیرغم کوشش واپس گراییانه کورولان، دوران ما دوران قریبانی نهائی نظام غارتگر سرمایه داری و پیروزی بازگشت ناپذیر نظام سوسیالیستی در سراسر جهان است و هیچ دودغ و تزویر و توطئه و جنایت و زناات امپریالیسم و ضدانقلاب جهانی، قادر نیست این روند تاریخ را تغییر دهد.

اما در کشورهای امپریالیستی هنوز بیاریهای ناشی از بحران اقتصادی سالهای ۷۴-۷۵ علاج نشده، دوران تازه ای از بحران آغاز گردیده است. از میانه سال ۱۹۷۹ فعالیت اقتصادی در عمده ترین کشورهای امپریالیستی در سرازیری افتاد در نیمه دوم سال ۱۹۸۰ در مجموع ۲۴ کشور سرمایه داری رشد یافته، تولید اجتماعی یک درصد کم شد. این بحران در ایالات متحده آغاز شده سپس به انگلستان و کانادا و درین آنها به ایتالیات ترین کشور امپریالیستی، یعنی جمهوری فدرال آلمان غربی سرایت کرد. در اقتصاد آمریکا پیشرویی می شود که در سال جاری تولید داخلی در حدود ۳ درصد کاهش یابد.

اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بیش از ۲۰ میلیون نفر بی کارند و همه علامت نشانگر آن است که این ارتش عظیم بیکاران در سال جاری بازهم بیشتر خواهد شد.

بر پایه این تحولات عظیم در این دو میدان بزرگ نبرد جهانی، تلاش نیروهای هوادار صلح در زمینه تشنج زمانی کامیابهای چشم گیری به دست آورد. عاملی که امکانات نیروهای تجار کاز امپریالیستی را در سراسر جهان برای مداخله به میزان زیادی محدود ساخت. کافی است به این واقعیت تاریخی توجه کنیم که اگر ایالات متحده آمریکا در شرایط سالهای دهه شصت یعنی هنگام لشکر کشی ناکام خود به ویتنام می توانست به خود اجازه دهد که علی رغم سیل اعتراض مردم جهان، به منظور سرکوب جنبش رهایی بخش ویتنام، بزرگترین واحدهای نظامی خود را در تاراج موجودیتش یعنی ۶۰۰ هزار سرباز با ساز و برگی چند برابر آنچه در جنگ دوم جهانی به اروپا فرستاد، به آن کشور گسیل دارد و ۳ برابر مجموع یسهای سراسر دوران جنگ جهانی دوم را روی خاک ویتنام بریزد پس از چندسال در اثر تغییر محسوس شرایط جهانی، جرات این گونه دخالتها را در ایران و نیکاراگوئه از دست داد و توانست به شیوه های هشیکی بنا

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

انقلاب های این کشورها روبرو شود. همین مقایسه نشان می دهد که تغییر تاسیب نیروها به سود سوسیالیسم و جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی و بی آمدن می بیشتر روند تشنج زدایی، امکانات عظیم توفی را برای کامیابی جنبش های ملل محروم بوجود آورده است. در چنین شرایط تاریخی مناسب و در چارچوب دوستی و همکاری نیرو بخش جنبش های رهایی بخش ملی یا نیروی عظیم و شکست ناپذیر کشورهای سوسیالیستی است، که کشورهای کوچکی که تازه توانسته اند خود را از زیر سلطه امپریالیسم جهانی بیرون آورند، می توانند حتی در شرایط دشوار محاصره اقتصادی و فشار همه جانبه امپریالیسم جهانی به رشد و تکامل پیگیر خود ادامه دهند. کوبای انقلابی اکنون پس از ۲۰ سال هنوز در محاصره اقتصادی کشورهای امپریالیستی قرار دارد و ویتنام قهرمان و همسایگان مبارزش لاوس و کامبوج و یا جمهوری دموکراتیک خلق یمن و اتیوپی که از همه طرف زیر فشار و حتی مداخلات تجاوزکارانه نظامی نیروهای امپریالیستی و ارتجاع وابسته به آن قرار دارند، نمونه های بارز این واقعیت دوران ما هستند. امروز ۲۰ کشور از ۱۱۰ کشور جهان که هستند در حال رشد می باشند، با جمعیتی بیش از ۱۵۰ میلیون نفر مست کیری سوسیالیستی را برای تکامل آینده اجتماعی خود برگزیده اند. با آن که کیفیت اقتصادی- اجتماعی و فرهنگ انقلابی این کشورها در سطوح مختلف رشد قرار دارد، معذالک همه آنها در عمده ترین مسائل مربوط به راه رشد و حل مسائل اجتماعی و اقتصادی خود تجارب گرانبایی به دست آورده و می آورند.

طغمت تاریخی این تغییر تاسیب نیروها درصحنه جهانی هنگامی بیشتر جلوه می کند که به یاد یابوریم که این تغییرات چشم گیر و سرنوشته ساز در شرایطی انجام گرفته که بزرگترین کشور جهان از لحاظ جمعیت یعنی جمهوری خلق چین در همین دمساله در موضع گیری جهانی بی سبب قهرایی خطرناکی داشته است و بهرینرا به نتیجه جهانی ضد امپریالیستی خیانت کرده و برای سرکوب جنبش های رهایی بخش ملی، برای تسویق تجاوز نظامی امپریالیستی به کشورهای سوسیالیستی، در ذریقه اول به اتحاد شوروی یسازش- تنگین با سیاه ترین نیروهای امپریالیستی یعنی آمریکا و دولت های فاشیستی و نازیست مانند اسرائیل، آفریقای جنوبی و شیلی تن در داده است و برای این که مصداقت بازگشت ناپذیر خود را در این خیانت به اثبات برساند، بزرگترین فشار سیاسی و نظامی و اقتصادی خود را متوجه اتحاد شوروی در شمال ویتنام و لاوس و کامبوج در جنوب ساخته است.

این پیروزیها به ویژه شتابی که این دگرگونیها در دمساله اخیر به خود گرفته، در نبرد خونین خلق-ها بهرینا خاسته و نیروهای مرفی جهان علیه ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به دست آمده است.

امپریالیست ها و ارتجاع با تمام نیروی خود در برابر این سیل عظیم ایستادگی می کنند و حتی یک وجب از مواضعی را که جایزانه در اختیار گرفته اند، بدون تیر، رها نمی کنند. امپریالیسم و ارتجاع جهانی وابسته به آن می کوشند که با بهره گیری از همه امکانات سیاسی- اقتصادی و نظامی، با دست زدن به هر شیوه جنایتکارانه و مزورانه، مواضعی را که از دست داده اند، دوباره به چنگ آورند و یا لاقبل از تثبیت و تحکیم و گسترش نظام های نوین انقلابی ضد امپریالیستی و خلقی جلوگیری کنند و از این راه از شتاب روز افزون دگرگونی های جهانی به زیان خود بکاهدند.

ویرگی مهم لحظه کنونی سیاست جهانی در همین تلاش مذموبخانه امپریالیستی است. امپریالیسم جنایت کار آمریکا در تلاشش مجموع امپریالیسم جهانی یعنی اروپای غربی- ژاپن و دیگر کشورهای ارتجاعی جهان، در لحظه کنونی هدف های زیرین را به منظور محمدمترین هدف های استراتژیک در برابر خود قرار داده است:

۱- با دامن زدن به تشنج سیاسی، فضای تشنج زدایی را مختل کند و دنیا را به دردماران جنگ سرد و سیاقه تسلیماتی باز گرداند و از این راه با تحصیل بوردیسمی سنگین تسلیمات به کشورهای سوسیالیستی حتی القوتور پیشرفت پرشتاب این کشورها را کند سازد.

۲- پیشرفت و کامیابی جنبش های رهایی بخش ملی را ترمز کند و در صورت امکان جنبش های پیروز شده را با ناکامی روبرو سازد و مواضع گفتمنه را بلزبس ستاند؛

۳- کشورهای در حال رشد را در مسیر سرمایه داری جهانی نگاه دارد و با تمام از گرایش این کشورها به پیشگری گرفتن راه رشد سرمایه داری و سمت گیری سوسیالیستی منامت به عمل آورد؛

استعمارزده را از سازسازی مبین خود بازدارند. همین طور است اقدامات جنایتکار امپریالیست ها در آفریقای سیاه، در منطقه کشورهای عربی و در آمریکای لاتین. ما مشخص ترین نمونه این سیاست جنایتکار را در السالوادور شاهد هستیم که می بینیم که صاحب های مزدور و استنکن با هیچ تفاوتی مبارزان راه استقلال و آزادی این خلق کوچک را آماج سلسل و بمبناپالم قرار می دهند.

یکی دیگر از شکردهای محافل امپریالیستی برای ادامه تسلط خود بر کشورهای در حال رشد و خلق های محروم بهره گیری از هر گونه امکان مبرای ایجاد جنگ های محلی، بر خوردهای نژادی و مذهبی و قومی و ستبرای و هر چیز دیگر است. این ترغیب تاریخی استعمار که دخلی را به ایجان هم اندازد و بر آن حاکومت کز، در مقیاس های پهنارتری امروز از طرف استعمار نوبه کار می رود. استعمار تو می داند که هر آمد این گونه نزاع ها، به ویژه اگر به صورت جنگی تخریبی گسترش پیدا کند، در حال حاضر توان شدن نیروهای ضد امپریالیستی و تحکیم مواضع استیلاجویان است. جنگ برادر کس میاں خلق های که زنجیر اسارت امپریالیسم بر دست و پای آنها است، چر سنگین تر کردن این زنجیری امدی نمی تواند داشته باشد.

امپریالیسم و ارتجاع جهانی نظام های محکوم به مرگند و مانند ده های زنجورده یا چنگ و دندان از زندگی جنایتکار خود دفاع می کنند. ولی نیروی عظیم خلق های محروم و توده های زحمتکشان سراسر جهان که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر بهرکت در آمده، دیگر شکست ناپذیر است. این سیل عظیم که در این فاصله زمانی کوتاه، بخش چشم گیری از کاخ های هژدان ساله نظام جابرانه طبقات غارتگر را برانداخته است، هر روز منسجم تر، متحد تر و نیرومندتر می شود. دشمن را بهتر می شناسد و راه های مبارزه برای از یاد آوردنش را دقیق تر محاسبه می کند و با گام های استوار و شتاب گیرنده به سوی پیروزی نهائی

به پیش می تازد. در سراسر گیتی هر روز بیشتر بزرگ می کنند که امپریالیسم و ارتجاع جهانی در ستانه قریبانی تاریخی نظام غارتگر و جنایتکار خویش، آماده هر گونه جنایت تازه ای، هر اندازه هم برای تفکر انسانی غیر قابل تصور باشد، قراردادند. عجب آرز نیست که یکی از این جرمومهای فاشک مزدور امپریالیسم که در کودکی ۱۸ تیرماه ۱۸ داشت، افتراق کرد که در کودتاچیان در نظر داشتند به هر قیمت که تمام شود، نظام سیاه خود را بر ملت ایران تحویل کنند و اگر ضرورت پیدا کند، حتی ده میلیون نفر از مردم ایران را به خاک و خون بکشند.

مرد دنیا قریبوش نکرده اند که جنگ دوم جهانی که از طرف امپریالیسم خونخوار اهدان ازین برهن اولین و یگانه کشور سوسیالیستی جهان تدارک دیده شد، ۵۰ میلیون کشته و بیش از همین تعداد معلول به جای گذاشت. مردم دنیا هر روز بیشتر به این حقیقت می بریند که قاجمه جنگ اتمی که از طرف امپریالیستیا تدارک دیده میشود در همان یلساعت نخست آغاز جنگ صدها میلیون نفر را به قتلگاه خواهد فرستاد. همین شناخت روز افزون است که چینه مبارزان راه تاسین صلح جهانی و هواداران فعال جلوی گیری از قاجمه جنگ اتمی را همروندتر می سازد. هواداران دگرگونی های اجتماعی بهر سود توده های زحمتکش در سراسر جهان هر روز بهطور بارزتری به اهمیت مبارزه در راه صلح که عنصر مهم آن مبارزه در راه جلوی گیری از دسائی امپریالیست ها به منظور دامن زدن به تشنج فضای سیاسی جهان است، می بریزند و در این مبارزه شرکت می کنند. خلق های هنوز دریند کشورهای محروم هر روز بهتر درمی یابند که بهترین و شایسته ترین شرایط پیروزی مبارزه آنان برای یاره کردن زنجیرهای اسارت، وجود فضای صلح در جو سیاسی جهان است.

این واقعیتی است که بزرگترین موزی پیروزی جنبش های رهایی بخش ملی در سالهای ۲۰ ه زمان بود با کم تشنج ترین دوران های سیاست پس از جنگ دوم جهانی. هر قدر محیط سیاسی جهان کم تشنج تر باشد، امکانات پیروزی خلقها علیه فشار غارتگرانه استعمارنو، آفرایشی می یابد. درست به همین دلیل است که امپریالیست های جهانخواه و به ویژه انصلاصراهی نظامی- صنعتی امپریالیستی از فضای بدون تشنج، از آزارش بین المللی، از پیشرفت هواداران صلح جهانی رحمت تیب آلود دارند و با تمام نیروی جنبی تبلیغاتی خود، علیه آن تلاش می کنند. این گفته دالین شیطان بزرگ سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی ایالات متحده آمریکا در سالهای ۵۰ دریا به ضرورت ایجاد جنگ سرده نشان دهنده بی تفسیر این واقعیت است. دالی برودریالیستی و بریزوا اظهار داشت:

« برای آن که ما کشور را مجبور کنیم تا بار سنگینی را که نگاهداری یک ارتش نیرومند ایجاد می کند، بهوش بکشند، لازم است که جو هیجان انگیزی شیبه اوضاع روانی دوران جنگ بوجود آوریم. ضروری است این تصور را خلق کنیم که گویا کشور در معرض تهدید خارجی است. »

بقیه در صفحه بعد

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

پسه از صفحه قبل

این گفتار به بهترین وجهی، معرف آن چند تالیفات امپریالیستی است که زیر پوشش «خطر کمونیسم»، «خطر شوروی»، سالانه صدها میلیارد دلار بودجه جنگی را به خلقهای جهان تحمیل می کند و به موازات تحمیل این هزینه سنگین که از زیرگسترش منابع غارتگری انحصارهای دستکام نظامی - صنعتی کشورهای غربی است، ارتجاع سیاه و با دستپاچی آن، وابستگی تراز ناپذیر کشورهای در حال رشد به انحصارهای امپریالیستی را، مسلط می سازد.

در تابستان سال ۱۹۶۹ یعنی همان دورانی که سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا به طور محسوس در راه تشدید تشنجات جهانی شتاب گرفت، وزیر دفاع آمریکا با روشنی حیرت انگیزی این سیاست را در یک جلسه کوتاه توصیف کرد. آقای براون در یک مصاحبه با مجله یوفاپت استیتس نیوز اندورلد ریپورت اعلام کرد:

«من فکر می کنم که ما داریم از زخمی که بر اثر جنگ ویتنام برداشتم، یعنی تشدید فعالیت ضد جنگ، شفا می یابیم.»

این گفتار روشن یک جنگ طلب و تجاوزکار حرفه ای، یعنی همان فردی که گرداننده عمده حمله به طیس و کوتایک توزه در مینامار و صدها توطئه نظیر آن در سراسر جهان بوده، نشان می دهد که چگونه «فعالیت ضد جنگ» مانند زخمی دردناک بر بدن غارتگران امپریالیست احساس می شود و می شود.

دوست به همین علت است که خلقها می مانند که تکه داری از صلح جهانی، تلاش در تثبیت و تحکیم و گسترش مستاوردهای تشنج زدایی، تلاش برای سرکوتن به امپریالیسم و ارتجاع به صورت تسامح بیروزی جنبشهای رهایی بخش ملی در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی در کشورهای محروم، تلاش برای ریشه کن کردن هر گونه وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم و پایان دادن به هر گونه تظاهر ارتجاع، همه و همه از زخمی است که بر بدن نظام غارتگر محکوم به مرگ امپریالیستی و استعمارزوی که آخرین نظام خارجی آن است، وارد می آید.

ولی دوران ما، دوران پیشرفت ظفر نمون جبهه جهانی نیروهای ضد امپریالیسم است؛ دوران مساه، دوران شکوفایی روز افزون اقتصاد و فرهنگ در کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ازبند در دست است که در امر توسعه سرمایه داری و ایستادگی سوسیالیستی رابریگزیمها؛ دوران پیروزی هر روز به پیروزی و زرفش جنبشهای رهایی بخش ملی با آماج روشن پایان بخشیدن به هر گونه تسلط و تجاوز نو استعماری امپریالیسم جهانی است. دوران ما، دورانی است که تفوق قدرت نظامی سرکوبگر امپریالیسم جهانی پایان یافته و ماجراجوییهای محافل استیلاگر امپریالیستی هر روز بیش به شدت پیروز در مقابل مانده و پستام، آفریقای سیاه، ایران و افغانستان، مجازات می گردد. دوران جولاندهی غارتگران استعمارگر مدتها است سبزی شده و هر روز کمی گذرد امکانات جولاندهی این محافل محدودتر و محدودتر می شود.

حماست تحسین آفرین مبارزانی استعمار آزادی و پیشرفت اجتماعی در ایران، صفحه درخشانی در تاریخ پیر اقتدار نبرد خلقهای محروم جهان علیه استعمار و استثمار و عقابندگی گشوده است. مساه مبارزان توده ای سر بلندیم که در این حماست تاریخی خلقهای پیشروان شرکت فعال داشته و همیشه در اولین صفوف این نبرد تاریخی گام برداشته ایم.

دور ویداد مهم در سیاست جهانی

در ارتباط با همه این مسائل جهانی بیجا است که به دور ویداد مهم دوران اخیر توجه ویژه ای ننماییم. یکی انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و دیگری کنکره بیستوششم حزب کمونیست اتحاد شوروی. با این دور ویداد واقعیت و ماهیت دو روش و دو برخورد متضاد در میدان سیاست جهانی بارزتر خیره کننده های دربر این چشم جهانیان قرار گرفت.

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که در آن نماینده سیاست جنگ، تجاوز، تبعیض نژادی، غارت قوت های ملی میلیاردها ساکنین کشورهای جهان سوم با کمی بیش از ۶۶ درصد آراء مردم آمریکا به کالج سفید راه یافت، گویای این واقعیت بود که امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا با دشواری های کمرتنکی که محصول انواع بحران های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، دور ویداد و تنهایی اینست که با تشدید تشنجات بین المللی، با توسل به شیوه های دوران جنگ سرد، با اقدامات تجاوزکارانه نظامی، با ایجاد جنگ های منطقه ای، متصرف کردن افکار عمومی، با توسعه هر چه بیشتر سیاست تسلطی، با تقویت نیروهای ارتجاعی در سراسر جهان جلوی سیل عظیم تاریخ را که پایه های سلطه جابرانه و غارتگرانه انحصارهای سرمایه داری را متزلزل ساخته و هر روز تکه ای از این پایه را بریزان می سازد، سد کند.

در برابر این دور ویداد، کنکره بیستوششم حزب کمونیست اتحاد شوروی با استحکامی تراز ناپذیر این واقعیت تاریخی را یکبار دیگر تأیید کرد که نظام

او در گفتار دیگری با زبان طور اظهار عقیده میکند: «من شک دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد. برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه رویی در ایران روی کار آیند.»

این هاست از زیبای های هنریشه فیلم های «بزن بکنی» هالیوود درباره انقلاب ایران! در برابر این از زیبای، موضعگیری رهبر شوروی در گزارش به کنکره بیستوششم قرار می گیرد. گویند بر زلف دیر آمد خود در کنکره، در مورد انقلاب ایران چنین از زیبای می کند:

«انقلاب ایران رویدادی بس مهم در حیات بین المللی دسوال های اخیر بود که دارای ویژگی های خویی است. انقلاب ایران با همه پیچیدگیها و تناقضات خود انقلابی است در اساسی ضد امپریالیستی، هر چند ارتجاع داخلی و خارجی تلاش می ورزند تا ماهیت این انقلاب را در گروگون سازند. مردم ایران راه خاص خود را برای نیل به آزادی و شکوفایی می یابند. ما از تصمیم قلب خواسار موقت مردم ایران در این راه هستیم و آماده ایم که مناسبات حسنه خود را با ایران بر پایه اصل برابری حقوق و طبعاً از راه اقدامات متقابل گسترش دهیم.»

گمان می رود که این داستانی است بدون شرح و احتیاج به هیچگونه تفسیری نادر و نشان می دهد که کدام نیرو دشمن سوگند خورده و آشتی ناپذیر و کدام نیرو پشتیبان بر دین انقلاب شکوهمند میهن ماست.

بخش دوم

فعالیت رهبری حزب در فاصله میان پلنوم ۱۷۹۱۶

در گزارش هیئت اجرایی به پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی از زیبای شده بود که دوران بین پلنوم شانزدهم و پلنوم شانزدهم یکی از طوفانی ترین دورانهای میهن ما بود. اکنون که دسوال از آن تاریخ میگذرد، می توان گفت که این از زیبای برای دسوال گذشته هم در همه ایام ارزش خود را نگاه داشته است. واقعیت این است که ما توانایی ترین اوار تاریخ کن- سال خود را می گذرانیم. ما شاهد این هستیم که نظامی تازه پدید می آید و جان می گیرد. ما شاهد آن هستیم که نظامی برای به استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی استوار می شود و نیروی پژوهشگران نو و کهنه در همه میدان های زندگی اجتماعی در جریان است.

حزب توده ایران در دویمه پیروزی انقلاب شکوهمند میهن ما پس از تحمل ۳۰ سال محرومیت و اختناق، درباره امکان یافت فعالیت آزاد و قانونی خود را از سر گیرد. فعالیت دوران نوین حزب، در شرایط بسیار دشوار آغاز گردید. امروز می توانیم بگوئیم که یا دنظر گرفتن این شرایط استثنایی دشوار، نبرد مبارزان توده ای در این دوران دسواله در واقع یکی از درخشان ترین بخش های تاریخ ۴۰ ساله مبارزات حزب ما و تاریخ بیش از ۲۰ ساله مبارزات پیروان سوسیالیسم علمی، مبارزان آگاه راه طبقه کارگر ایران را تدوین کرده است.

هیئت سیاسی تمام توان خود را در راه اجرای همجانیه رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی به کار انداخت و اکنون نتیجه این تلاش را به طور مختصر در معرض بررسی پلنوم قرار میدهد.

۱. فعالیت سیاسی

فعالیت دوران جدید حزب ما در جوی بسیار نال مساعد برای حزب، آغاز گردید. این جو به هرحوره خلق السله نبود و در حقیقت محصول مجموعه عواملی بود که طی ۳۰ سال گذشته در جهت ایجاد پیش-داری های منفی، فریب دآمیز، غیر دوستانه تا حد دشمنانه نسبت به جامعه کشورهای سوسیالیستی و پیرویه نسبت به اتحاد شوروی، نسبت به مارکسیسم - لنینیسم، بتوانان جهان بینی نو در جهان و در ارتباط با آنها نسبت به حزب ما در افکار عمومی مردم اثر گذاشته بودند. این جو محصول عوامل زیرین بود: - تأثیر گمراه کننده ۶۰ سال تبلیغات ترس آگین نظام وابسته و سرسپرده بزرگ مالکان و کلان- سرمایه داران که دستکام فاسد خائن وطن فروش خاندان پهلوی بر راس آن قرار داشت. این نظام که جنبش توده ای ما را بزرگترین دشمن تاریخی خود

می دانست، در طی این مدت دراز در هر دوره به اندازه ای که در توانش بود برای بدنام کردن و سرکوب و ریشه کن ساختن این جنبش از همه جتایی فروگذار نکرد و به ویژه در ۲۵ سال پس از ۲۸ مرداد که با کمک دستکام جهانی ساواک قدرت مطلقه را به دست آورده، این تلاش در همه زمینه ها به اوج خود رسید.

- تأثیر گمراه کننده ملی گرایان وابسته به سرمایه داری ملی یعنی یازماندگان جبهه ملی که به راه دکتر مصدق پشت کرده و برای دفاع از سرمایه داری محبوسشان با امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه از در سازش درآمدند. این داروسته برای پوشاندن سازش و تسلیم ننگین خود و با استفاده از قریون آزادی که در این زمینه رژیم ساواک در اختیارش می گذاشته می کوتید مسئولیت سنگین خود را در شکست جنبش ملی و ضد امپریالیستی سال های ۲۸-۳۲ پوشانده و آمریکا را از زیر ضربه اصلی به عنوان جتایتکار و دشمن شماره یک استقلال و آزادی میهن ما خارج سازد و تمام مسئولیت شکست ۲۸ مرداد را علیه آن نیرویی متوجه کنند که سر نظر از اشتباهاتش در دوران اول فعالیت دکتر مصدق، در بحرانی ترین و حساس ترین- دوران یعنی در فاصله زمانی بین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فعال ترین و موثر ترین پشتیبان موضع گیری ضد امپریالیستی دکتر مصدق بود و درست به همین علت با شکست ۲۸ مرداد آماج شدیدترین فشار سیاسی دستکام سرسپرده رژیم کودتاچیان قرار گرفت. کافی است گفته شود که پس از ۲۸ مرداد، بیش از ۴ هزار نفر از افراد حزب توده ایران بازداشت شدند که از آنها دهها نفر اعدام و بقیه از چند سال تا چند دسوال در زندانهای ساواک ماندند. ولی تعداد زندانیان و محکومین جبهه ملی از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نکرد.

- وجود یک کمونیسم ستیزی درگاه بسیار شدید یعنی کمونیسم ستیزی از دیدگاه سرمایه داری که این خود بخشی به صورت کمونیسم ستیزی گروه های غربی بوده و بخشی شده و ساخته و پرداخته آمریکا و اروپای غربی و تریب به طور ساده به صورت کمونیسم ستیزی اقتدار مرفه سرمایه داری متوسط و کوچک جامعه ایران تجلی می کرد.

- نفوذ مائوئیسم و افکار منحرف شبه مائوئیستی در تشر قابل توجهی از سلسل جوان مبارز ضد امپریالیست که به صورت یک شوروی ستیزی، یکبارگون گسترش یافته و از همین دیدگاه موضع دشمنانه علیه حزب توده ایران که به سمت گیری های راستین آنتراسیونالیستی اش پایبندی نشان می داد، اتخاذ کرده بودند. مبارزه اصولی حزب ما با موضع گیری های انحرافی و اشتباه آمیز این گروه ها در دوران اوج گیری جنبش انقلابی معاصر این دشمنی را به کینه آشتی ناپذیر رسانده بود.

- باید افزود که نقش خائن و مرتدان از جنبش توده ای، چه آنها که در دوران اختناق از خود ضمت نشان دادند و به دشمن تسلیم شدند و چه آنها که در منجلاب مائوئیسم سقوط کردند و امروز در صفوف اول نیروهای ضد انقلابی گام بر می دارند، در ایجاد این جو ناسلعه برای حزب، تأثیر زیادی داشته است.

- به همه این عوامل ناخچ باید عامل دیگری را که محصول اشتباهات حزب ما در دوران سال های ۲۸-۳۱ یعنی در آغاز جنبش میبندی برای ملی کردن نفت است و نیز ضعف های را که بخشی از افراد رهبری و مسئولان حزب پس از ۲۸ مرداد نشان دادند و کمبودها و نارسایی های که در کار حزب ما در دوران سیاه اختناق تا سال ۱۳۵۱ وجود داشت و از آن جمله موقتیت ساواک در تسلط شدن به بخش های سازمان مخفی حزب در این دوران را اضافه کرد.

در چنین جو ناسلعه ای حزب ما دوران جدید فعالیت علمی و قانونی خود را آغاز کرد و امروز کمی کمی هست که تردید داشته باشد که این فعالیت علمی رفم این دشواری ها و دشواری های تاریخی کلمی این دسوال دیدد آمده کامیاب های چشم گیری به دست آورده است.

در این میدان فعالیت، رهبری حزب کوشید، رهنمودهای درست و منطقی با واقعیت انقلاب میهنان را در برین پایبندی تراز ناپذیر به اصول، با فرمت کامل در جریان عمل سیاسی خود پیاده کند. پلنوم شانزدهم سمت گیری عمده فعالیت سیاسی حزب را چنین تعیین کرده بود:

«اولین و مهم ترین وظیفه حزب ما در این زمینه (فعالیت سیاسی)، کوشش در این راه است که با همکاری همه جانبه با همه نیروهای راستین انقلابی خلق ما و در درجه اول با نیروهای که تحت رهبری آیت الله خمینی قرار دارند، نبال جوان پیروزی به دست آمده راه، که با خون دهها هزار مبارز قهرمان آریایی شله است، تحکیم کند و این نبال را هر روز ریشه دارتر و بار آورتر سازد.»

پسه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

باید یا تمام نیرو بکوشیم این کامیابی بزرگ تاریخی را که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت ناپذیر کنیم. در این راه باید پیروزه از تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران، از انقلاب مشروطیت تاکنون و همچنین از جنبش‌های انقلابی سایر خفق‌ها، چه آن‌هایی که پرچم پیروزی را در کشورهای خود بر افراشته و چه آن‌هایی که با ناگامی و شکست روبرو گشته‌اند، بیاموزیم و باز هم بیاموزیم.

رهبری حزب با پیروی دقیق و همه‌جانبه و با ارزیابی علمی از واقعیت انقلاب ایران به این نتیجه رسید که از خط امام خمینی پشتیبانی کند. ما عناصر عمده و تمیز کننده پنج گانه زیر را در این خط تشخیص دادیم و زندگی دوساله نشان داد که ما در این تشخیص خود اشتباه نکرده‌ایم. چنین‌اند آن پنج عنصر:

- ۱- مست‌گیری قطع و تزلزل ناپذیر در جهت پایان دادن به تسلط همه‌جانبه سیاسی و نظامی و اقتصادی فرهنگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا؛
- ۲- مست‌گیری قطع برای ریشه کن ساختن نظام استبداد شاهنشاهی و درهم‌کوبیدن پایه‌های بازگشت آن؛
- ۳- مست‌گیری در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی برای نیروهای هوادار انقلاب که همیشه از آزادی محروم بوده‌اند یعنی همان محرومان شهر و روستا، کوچه‌نشینان و مستضعفان؛
- ۴- مست‌گیری در جهت ضرورت دگرگونی‌های بنیادی در نظام غارتگر اقتصادی و اجتماعی جامعه بسود غارتشدگان و میزبان چهارلنگران و زخان ثروت‌های ملی و دست‌فروش زحمتکشان شهر و روستا؛
- ۵- تکیه بیکبار برائزوم اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن به آمیج‌های چهارگانه بالا.

حزب توده ایران از مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب به این نتیجه رسید که در این خط بسیاری از خواست‌های مردم زحمتکشان میهن ما بازتاب یافته است و تصمیم گرفت با تمام نیروی خود برای کامیابی‌اش از آن پشتیبانی کند.

بدین‌سان مبارزه برای پیشرفت در جهت این هدف‌ها و مبارزه برای ایجاد وحدت‌عمل با مست‌گیری در جهت تشکیل جبهه متحد خلق بصورت خط اصلی فعالیت سیاسی حزب تبلور یافت. براساس این مست‌گیری، کوشش حزب در همه زمینه‌ها در این جهت بود که با دیگر نیروهای راستین هوادار انقلاب که به‌طور عمده در جهت رسیدن به این هدف‌ها عمل‌کننده، از هم جدا نشود و با هم همکاری و پیوستگی داشته باشند. این امر از نیروهای که زیر پرچم اسلام و به‌پیری از امام خمینی مبارزه می‌کنند یا سایر نیروهایی که در مواضع ملی‌گرای انقلابی و یا هواداری راستین از سوسیالیسم علمی قرائ دارندند جو تفاهم و همکاری بوجود آوریم.

امروز شاهد این واقعیت هستیم که در این زمینه‌ها علی‌رغم همه دشواری‌های ناشی از پیش‌داری‌های ناسازگار برای حرکت بسوی چنین آمیجی، ملی‌رغم صایس رنگارنگ دشمنان انقلاب یعنی ضد انقلاب ساواکی - دارایی‌ری، بقایای طبقات حاکمه غارتگر و ستون پنجم امپریالیسم در چهره چهرنمایان آمریکائی (بیکار و رنجبر) و علی‌رغم انحصارطلبی‌ها و خودمخوری‌هایی گروه‌ها و شخصیت‌های با نفوذ در صفوف نیروهای انقلابی، پیشرفت‌های محسوس و نصیب تلاش خستگی‌ناپذیر ما برای وحدت‌عمل گردیده است.

کافی است به برنامه پیشنهادی حزب ما برای جبهه متحد خلق نگاه کنیم. به‌آسانی در خواهیم یافت که بسیاری از هدف‌های این برنامه اکنون انجام گرفته و یا در حال انجام است و برخی از آنها به صورت شمار و خواست وسیع‌ترین طیف نیروهای هوادار انقلاب که بازتاب خواست‌های توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان است، درآمده است.

براساس این مست‌گیری سیاسی، حزب توده ایران در فرماندهی براندازی نظام پوسیده سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی شرکت کرد. در انتخابات مجلس خبرگان با نظریات روشن و پیشنهاد‌های مشخص برای تکمیل طرح تهیه شده برای قانون اساسی شرکت کرد و بالاخره با حفظ نظریات انتقادی و اصلاحی خود قانون اساسی تدوین شده از طرف مجلس خبرگان را مورد تأیید قرار داد.

علیرغم هر و جنجال تبلیغاتی که از سوی مخالفان و معاندان و دشمنان حزب ما علیه این مست‌گیری سیاسی حزب بوجود آمد و دام‌زده شده، امروز که دوسال از انقلاب گذشته است، درستی دقیق و بی‌خسب این مست‌گیری، بسیاری از کسانی را که مدت‌ طولانی آنرا تخطئه می‌کردند قانع ساخته و به‌طور محسوس به‌یادآوردن حیثیت سیاسی حزب ما در جامعه ایران کمک کرده است. یکی از کامیاب‌ترین بخش‌های مبارزات سیاسی حزب، اقله ساهیت سازشکار و تسلیم‌طلب بورژوازی لیبرال است که با بهره‌گیری

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

از یوشی اسلامی و شرکت لنگ‌لنگان مشروط و محدود خود در مبارزه خلق علیه «استبداد» - و تنها علیه استبداد - پس از انقلاب مواضع مبهمی را در رهبری کشور به‌دست آورد و از این مواضع یعنی از مواضع دولت موقت «کامپه‌کام» کوشید که انقلاب را از هدف‌های اصلیش منحرف سازد و به‌کوره راه سازش، نسبتاً با امپریالیسم جهانی، بلکه با باقی مانده‌های نظام «دارایی‌ری»، یعنی سرمایه‌داران و مالکان غارتگر فراری از کشور، بکشانند.

این مبارزه همان‌طور که سند تصویب شده گزارش پلنوم شانزدهم حزب نشان می‌دهد، از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب آغاز گردید. مدت‌ها حزب ما در این میدان مبارزه تنها بود، ولی گذشت زمان، تجربه مبارزاتی نیروهای راستین هوادار انقلاب، و موضوع‌گیری‌های سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه سرمایه‌داری لیبرال و مشکلات روزافزون ناشی از عمل اقتصادی بورژوازی‌ها و سرمایه‌داری لیبرال، در نتیجه اقتصاد کشور، لزوم مبارزه برای کوتاه کردن دست‌های سازشکاران را از مواضع قدرت‌حاکمه و قدرت‌اقتصادی، به‌شماریم و وسیع‌ترین طیف نیروهای انقلابی مجدل ساخته‌است.

در چارچوب همین موضع‌گیری بود که رهبری حزب اقدام جسورانه دانشجویان، سزنان و نیرو خط امام را از همان اولین لحظه به‌عنوان یک عمل عمیقاً انقلابی در جهت تشدید مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک انقلاب شکره‌نمندان، مبارزه با سازشکاران و تسلیم‌طلبان که تا حد آغاز زدن با برژسکی، کین‌توت‌ترین توطئه‌گر ضدانقلاب ایران، پیشرفته بودند، ارزیابی کرد و از آن‌همی تمام دوران و در برابر حمله‌ای که از طرف امپریالیسم، ضد انقلاب و سازشکاران رانده شده از قدرت دولتی، برآنها وارد میشد، پشتیبانی کرد.

اسناد افشاگرانه‌ای که در جاسوسخانه آمریکا یعنی ستاد تدارک کودتای ضدانقلابی برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی پیدا شد و انتشار یافت، با دقت به‌نظری درستی نظریات حزب ما را در زمینه داشته توطئه براندازی امپریالیسم و ضدانقلاب و نقش مزورانه سرمایه‌داری لیبرال در زمینه هوادار ساختن راه بازگشت وابستگی به امپریالیسم، نشان‌داد. درست به همین علت است که این افشاگری‌ها تا این حد مورد پشتیبانی توده‌های وسیع محرومان جامعه از یکسو و مورد کینه و دشمنی آشکار نیروهای ضد خلقی از سوی دیگر قرار گرفته‌اند.

حزب ما حق دارد به‌سهم به‌سزایی که در این مبارزه داشته است، بی‌بالد.

سومین بخش بسیار مهم در فعالیت سیاسی حزب، مبارزه بیکبار و آشتی‌ناپذیر ما با توطئه‌های ضدانقلاب، مبارزه برای تجویز نیروهای مبارز خلق برای دیوارویس و درهم‌شکستن این توطئه‌ها بوده است.

افراد و هواداران حزب ما با تلاش شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر خود در این میدان نبرد که در موارد بسیاری تاحده به‌خطر انداختن مسلم جان خود بوده است، توانستند با وجود امکانات براندازنده محدود علی‌رغم تمام دشواری‌هایی که از طرف نیروهای انحصارطلب و چاق‌آقداران، از راست و چپ، در راه فعالیت آزاد حزب ما ایجاد می‌شد، کمک‌های بسیار گرانبه‌ای و شایانی در زمینه کشف و خنثی کردن خطرناک‌ترین توطئه‌های دشمنان انقلاب به‌نهادهای انقلابی برسانند. ما در این زمینه وظیفه انقلابی‌خوشی را انجام داده و به‌مدعم و به‌همین دلیل هم به‌تایید مثبت آن و نه به‌امکان بهره‌گیری از آن برای تبلیغات اهمیت می‌دهیم. تنها در این چارچوب، ناچار از تکرار

این واقعیت هستیم که برخی شخصیت‌ها و گاهی ارگان‌های سیاسی، علی‌رغم آگاهی کامل به‌واقعیت پشتیبانی برده‌ی حزب ما از انقلاب، می‌کوشند با تکرار درزبانه‌ترین اتهامات ساواکی‌ها و تسلیم‌طلبان آمریکا زده مائوئیست، صداقت حزب ما را در این مبارزه مورد تردید و یا در سایه قرار دهند. ولی ما مبارزات پیرو سوسیالیسم علمی، بیش از صدوسه‌سال تجربه مستقیم مبارزه زیرچوبه‌ها، زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا، زندگی در زندان‌های مخوف، زندگی زیر رگبار بدون انتفاع دست‌ترین اتهامات و افترا را گذرانده‌ایم و این تجربه تاریخی را داریم که دروغ و تمهت و افترا، هراندازه هم که ظاهری مردم فریب داشته باشد، بالاخره در مقابل تاریخ رسوا خواهند شد.

همین همینان تزلزل ناپذیر است که مبارزات بیکبار راه آزادی طبقه کارگر را مانند یولاد آبدیدیم‌کنند. در چارچوب مبارزه برای افشای توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و ضدانقلاب باید به مبارزاتی که حزب ما برای نشان دادن چهره واقعی «چپ» آمریکائی، یعنی گروه‌های مائوئیست و شبه مائوئیست و تروتسکیست انجام داده است، اشاره کنیم. کامیابی حزب ما در این زمینه بدون تردید چشم‌گیر است. امروز مائوئیست در قاسم طیف رسمی از نیروهای راستین

انقلاب به ستون پنجم آمریکا و خنثی به انقلاب شکره‌نمندان میهن ما اطلاق می‌شود و آن‌قدر تنگین است که مائوئیست‌ها جرأت ندارند بگویند مائوئیست هستند و یا انواع نام‌های پرطمطراق و مرد‌فریب خود را معرفی می‌کنند.

یکی از جنبه‌های قابل‌تذات فعالیت سیاسی حزب ما در دوران اخیر شرکت فعال حزب در مقاومت خلقی در برابر تجاوز نظامی جاپایتبار آمریکائی‌مسناسی به‌میین ماست. ما از همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب، توطئه‌ای را که بالاخره در شهریور ۱۳۵۹ به‌صورت تجاوز نظامی عراق به مرحله اجرا درآمد، افشا کردیم و هشدار دادیم. با کمال تأسف به‌این هشدارهای حزب ما غنادار کوچک‌ترین توجهی از طرف مقامات مسئول نشد. تاریخ آینده روشن خواهد کرد که چه دست‌هایی در پشتهای حساس مانع از این شدند که به‌این هشدارها توجه‌شود و به‌این ترتیب زمینه برای موفقیت‌های اولیه تجاوز فراهم گردد.

در حال حزب ما با ارزیابی درست از این توطئه و تجاوز، آن را یک توطئه امپریالیستی - ضدانقلابی در جهت سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی دانست و از همان اولین لحظه در کنار سایر مبارزات راستین راه انقلاب، در اولین صفوف مقاومت برای درهم‌شکستن این تجاوز قرار گرفت و همه امکانات خود را در این راه در اختیار قرار داد.

این نبرد سرشوش‌ساز اکنون ادامه دارد. تجاوز عراق بیکار دیگر ارزیابی‌های حزب توده ایران را دربردارد. نیروهای راستین هوادار انقلاب مورد تأیید قرار داد و چیره زشت نیروهای دروغگو را که عریسان ساخت، چیرت‌تکبیر است که سازمان‌های سیاسی سرمایه‌داری لیبرال مانند دفتر همکاری مردم یا رئیس‌جمهور، نهضت آزادی و جبهه ملی، حتی یک‌شونه‌هم از یک شید در این نبرد سرشوش‌ساز نمی‌توانند در پیشگاه مردم ایران عرضه دارند. در حالی که برای براندازی دولت کنونی مطابق دستور ریگان تظاهرات چندده هزار نفری در تهران و شهرستانها به‌راه می‌اندازند، همین‌طور است وضعیت شهر آردگر و روستاهای انقلابی چپ آمریکائی مانند «فرجیان» و هییکارویاران نشان.

چهارمین بخش فعالیت سیاسی حزب ما تلاش سازنده برای کمک به‌جمل دشواری‌ها و مشکلات اجتماعی تشکیل می‌دهد. حزب ما از همان اولین روز آغاز فعالیت مجدد قانونی و علمی خود از هر گونه «مغنی‌بانی» پرهیز کرد و با ارائه پیشنهادها مشخص و سازنده در همه زمینه‌ها سهم تاریخی خود را به انقلاب ادا نمود.

پیشنهاد‌های حزب توده ایران در زمینه حل مسائل حاد اجتماعی (از قبیل مسئله اصلاحات ارضی، بیرون‌کنش اقتصاد کشور از بحران، حل مسئله بیکاری، حل مسئله ملی و بویژه کشودن گره پیدا شده در کرستان، حل مسئله آموزش و پرورش، انقلاب فرهنگی و غیره) مانند نظریاتی که حزب ما در زمینه سیاست خارجی و تأمین آزادی‌های اجتماعی مطرح نموده، هنوز به‌عنوان روشن‌ترین و سازنده‌ترین پیشنهادها که با واقعیت اجتماعی میهن ما و محتوا و سمت‌گیری‌های عمده و اساسی انقلاب شکره‌نمندان دقیقاً منطبق هستند و خواست توده‌های ده‌ها میلیونی شهر و روستا را بازتاب می‌دهند، مطرح هستند.

ارزش واقعی این پیشنهادها سازنده هنگامی بیشتر روشن می‌شود که مخالفین و دشمنان جنبش توده‌ای ما در حالی که کمدها و صدها مستضعف از تشریبات خود را به ناسزاگویی و آناه‌زنی به حزب ما اختصاص داده‌اند، حتی در یک‌سورد هم نتوانست‌اند درستی پیشنهاد‌های حزب ما را با استدلال منطقی مورد تردید قرار دهند.

ازسوی دیگر زندگی دوسال اخیر نشان داد که عدم توجه مقامات موثر دولتی به این پیشنهادها همواره با تشدید دشواری‌ها و بغرنجی‌ها تمام بوده است. ما امیدواریم که با تجربه‌اندوزی از آنچه گذشته و با ارزیابی انتقادی از اشتباهات در مقامات مدیر جمهوری اسلامی، برخورد‌های ذهنی‌گرایانه که بزرگ‌ترین تهدید برای تثبیت و تحکیم انقلاب است، جای خود را به واقع‌بینی و روشن‌بینی بدهد.

این‌بود به‌طور کوتاه فعالیت رهبری حزب در زمینه سیاسی. هیئت سیاسی بر آن است که این فعالیت، کاملاً بر رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی منطبق بوده و نتایج مثبت این فعالیت درستی از رهنمودها را مورد تأیید قرار داده است.

۲. فعالیت رهبری حزب در زمینه کارهای تشکیلاتی

در زمینه کارهای تشکیلاتی اولین وظیفه‌ای که پلنوم شانزدهم در برابر هیئت اجراییه قرار داد، انتقال هر چه سریع‌تر رهبری حزب به ایران بود که تا آن تاریخ به‌طور عمده در مهاجرت پسر می‌بود. این رهنمود بلافاصله پس از پلنوم انجام گرفت. علی‌رغم دشواری‌هایی

که از طرف دولت لیبرال برای بازگشت افراد رهبری مرکزی حزب که تقریباً همه از محکومین دادگاه‌های جنایت‌پیشه رژیم ساواکی بودند، ایجاد گردید، این رفا توانستند به‌میین بازگردند و فعالیت انقلابی خود را در درون کشور دنبال کنند.

رهبری مرکزی حزب با رفاقی از مبارزان درون کشور که در سال‌های دشوار اختناق، در سایه‌چال‌های سارک آبدیده شده و از احترام و محبت عمیق، نسبتاً هواداران حزب ما، بلکه مخالفان عقیدتی حزب ما برخوردار بودند، تشکیل‌گردید. ترکیب این دو عنصر از فعالیت سابقه‌دار حزب پایه محکمی برای وحدت و یکپارچگی و رشد اعتبار رهبری حزب بوجود آورد.

رهنمودهای پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی درباره ایجاد سازمان واحد سراسری، پذیرش افراد جدید و توجه به خطرات احتمالی چیرش‌ن‌نیروهای ضدآزادی، چه افراطی و چه ضدانقلابی، همه در چارچوب شرایط موجود عینی و امکانات و دشواری‌های بسیار عملی گردید.

رهبری حزب کوشیده‌است همواره با برخورد انتقادی به کار خود، در همه زمینه‌ها اشتباهات و کمبودها را پیدا کند و بر آن‌ها چیره شود.

۳. فعالیت حزب در زمینه وظایف ترویجی، تبلیغاتی و تعلیماتی

به‌طور کلی باید نظر گرفت امکانات محدود انسانی و فنی که در اختیار حزب قرار داشته، باید نظر گرفت دشواری‌های گوناگون و سنگینی که بر اثر فشارهای وارده به حزب ما بصورت تعطیل فعالیت آزاد و علمی حزب یک‌بار در سال ۱۳۵۸ و یک‌بار پس از حمله «چاق‌آقداران» به‌مرکز حزب در تهران و شهرستانها در تیر ماه ۱۳۵۹ بوجود آمد و متأسفانه تاکنون ادامه دارد. فعالیت حزب و کامیابی‌های قابل توجه است. در این دوران حزب توده ایران توانسته‌است، چه از لحاظ انتشار آثار علمی و سیاسی و چه از لحاظ انتشارات توضیحی - سیاسی و افشاگرانه فعالیت‌سزایی انجام دهد.

از لحاظ تأمین امکانات مادی و رساندن این تشریبات به‌مخوستانان، هواداران حزب کمک به‌مراتب بالاتر از انتظار ما به سازمان مرکزی حزب رساندند. این کمک فداکارانه گروه‌های از حماسه نبرد مبارزان توده‌ای در دوران دوشاله پس از پیروزی انقلاب است. یکی از چشمگیرترین کامیابی‌های حزب در این زمینه انتشار فامه مردمی و ماهنامه «دنیای» است. این روزنامه و ماهنامه به‌حق از لحاظ سطح محتویات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و هم‌از لحاظ سنگینی برداشته و بیکاری در خط سیاسی و ایستادگی در مواضع اصولی و هم‌از لحاظ درستی ارزیابی‌ها و موضع‌گیری‌ها در پیشانی انتشارات دوران کنونی ما قرار گرفته‌اند.

۴. فعالیت حزب در زمینه کار توده‌ای

در این زمینه کار حزب باید دشواری‌های گوناگونی که بخش عمده و تمیز کننده آن ناشی از ویژگی‌های انقلاب ایران است، زوربر بوده و هنوز هست. این دشواری‌ها، هم در میدان‌های فعالیت صنفی و سندیکائی کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و هم در میدان مبارزات برای حقوق زنان و جوانان و دانشجویان به‌عنوان ترمز اصلی در راه تشکیل این اتحاد زحمتکشان محروم عرض‌اندام کرده و هنوز هم وجود دارند. به‌طور کلی ما در این میدان مبارزه، با انحصارطلبی سازمان سنتیزی دوگانه از راست و از چپ زوربر هستیم.

از طرف راست با برخورد انحصارطلبانه گروه‌های مذهبی زوربر هستیم که از پشتیبانی نهادهای قدرت دولتی برخوردارند و از هر گونه همکاری دراموز صنفی با سایر زحمتکشان که حاضر نیستند این روش انحصارطلبانه آنان را تأیید کنند، امتناع می‌نورزند. این روش موجب می‌شود که اتحاد داوطلبانه و آزادانه زحمتکشان، صرفنظر از موضع‌گیری فکری و یا وابستگی‌های مذهبی و غیره متزلزل گردد و تخم نفاق و چنددستی میان آنان پاشیده شود. در برابر این انحصارطلبی‌ها سوی راست، ما در همه میدان‌های فعالیت توده‌ای با یک‌دوش نفاق‌افکنانه چپ‌گرایان مانند سازمان مجاهدین خلق و بخش‌های انشعابی از سازمان جریکی فدایی خلق روبرو هستیم که از نوعی دیگر «انحصارطلبی» پیروی می‌کنند و تنها در صورتی یا وحدت سازمانی یک سازمان توده‌ای موافقت دارند که رهبری آن در دست آن‌ها باشد و در صورتی که در اقلیت قرار گرفته‌اند، دست به انشعاب و منفرج کردن آن سازمان می‌زنند.

در کنار دو انحصارطلبی، و یادقیق‌تر بگوئیم در سایه وجود این دو گرایش انحصارطلبانه، ستون پنجم دشمن انقلاب، یعنی عناصر ضدانقلاب، ساواکی‌های متظاهر به مذهب و یا چپ‌ها به‌کمک عناصر وابسته به مذهب در کنار دو انحصارطلبی، و یادقیق‌تر بگوئیم در سایه وجود این دو گرایش انحصارطلبانه، ستون پنجم دشمن انقلاب، یعنی عناصر ضدانقلاب، ساواکی‌های متظاهر به مذهب و یا چپ‌ها به‌کمک عناصر وابسته به مذهب در کنار دو انحصارطلبی، و یادقیق‌تر بگوئیم در

سینه
خبر
از
مشهد

اطلاعیه دادرسی
انقلاب اسلامی مشهد:

مرکز توطئه فئودالها تعطیل ودو فئودال
محکوم به حبس و مصادره اموال شدند

هرچه زودتر
به دهات
کود شیمیائی
برسانید

بهار فرارسیده است و کارهای کشاورزی به سرعت و با شدت ادامه دارد. برای انجام درست و به موقع این کارها، در حال حاضر، نیاز جدی است که اولاً ماشین آلات موجود کنار کنند و ثانیاً زمین باروری لازم را به دست آورند.

برای مقصود اول، نیاز حیاتی روستاها به سوخت و موتور است، که ما بارها در باره آن مطلب نوشتم. اخیراً کمیته کشاورزی استان، شورای اسلامی به کمیسیون امور کشاورزی مجلس، که از سفر ترویزی بازگشته بودند، نشان داد که تا چه اندازه این مسئله حادث است.

همینطور است مسئله کود شیمیائی و کمبود بسیار حد آن، که در اغلب نقاط شدیداً احساس میشود و لازم است که تدبیر فوری و قاطعی برای حل آن اندیشید.

برای آنکه بتوانیم محصول بیشتری به دست آوریم و از وارد کردن فرآورده های زراعی تا حد امکان مستغنی گردیم، برای آنکه بتوانیم در این زمینه با مأموران اقتصادی امپریالیسم آمریکا با کامیابی مقابله کنیم باید زمین های زراعی خود را بارور سازیم. تامین کود وسیله مهم رسیدن به این هدف است. متأسفانه انواع مختلف کود شیمیائی بویژه اوره، که اکنون مورد نیاز است، در دسترس دهقانان نیست مطابق معمول، چون دست واسطه ها و عمال واردکننده و سرمایه داران زانلو صفت هنوز کوتاه نشده، از این وضع آنها سودگراف میبرند. بعنوان مثال، برای سامان بزود اصفهان و چهار محال بختیاری شصت هزار تن کود شیمیائی مورد نیاز است. این نیاز بسیار جدی و حیاتی است و یک امر تجلی نیست. اما از این مقدار نیاز تاکنون تنها سه هزار تن کود برای این سامان فرستاده شده، که معنای فظرف است در برابر دریا بی انتهای ما. هم برای ازدیاد تولید و هم برای کوتاه کردن دست غارتگران محترک و سودجو باید فوراً به این مسئله حیاتی توجه کرد و به آن هرمدیف با تامین گازوئیل و روغن موتور، اولویت داد.

امیدواری هرچه بیشتری در انتظار محاکمه تمام فئودال های زالوصفت و مصادره اموال آنها هستند. دهقانان مستعده، منطقه مشهد به محض خواستار واگذاری زمین های مصادره شده به صاحبان اصلی این اراضی هستند، که همانا خود این مستضعفین واقمینند.

تعطیل مرکز فساد و توطئه های ضد انقلابی در استان خراسان یعنی اتحادیه کشاورزان مگانیسره را تمام دهقانان زحمتکش استان به فال نیک میگیرند و امیدوارند که با مصادره انقلابی زمین های فئودالها و استرداد آن به دهقانان زحمتکش، شاهد شکوفائی اقتصاد کشاورزی در استان خراسان باشند.

مورد اجاره از اسادات رضوی به شرط پرداخت مال الاجاره موقوفه به اسادات رضوی و یک حلقه چاه عمیق با منضعات و متعلقات. بنیاد مستضعفان با همکاری جهاد سازندگی میبایست از اموال مصادره شده حقوق کشاورزان و ذوی الحقوق را تادیه نماید، ضمناً با توجه به اینکه متهمین مذکور در اتحادیه کشاورزان مگانیسره یعنی مرکز توطئه فئودالها عضویت داشته اند اتحادیه مذکور نیز تعطیل می شود.

دهقانان زحمتکش و مستعده روستاهای مشهد بویژه دهقانان کوخ - نشین را دگان و دیگر روستاهای ذریبطه، به حق از این عمل انقلابی دادرسی انقلاب مشهد شادمان گشته اند و با

جنائی درجه ۲، و مصادره یکصد هکتار از اراضی ملکی واقع در قدیر آباد با کافه و ملحقات و منضعات و ۲۰۰ هکتار از اراضی استیجاری (حقوق استیجاری) و اعیانی و مستحدثات مورد اجاره از اسادات رضوی به شرط پرداخت مال الاجاره موقوفه، به سلسله اسادات رضوی با متعلقات و منضعات و دو دستگاه تراکتور و دو حلقه چاه عمیق باضام و متعلقات به شرط تامین آب باغ ۲۰ هکتاری.

۲- عیسی رستگار، فرزند رباعلی، متهم به شرکت در کلبه جرایم متهم ردیف ۱، محکوم به ۲/۵ سال حبس جنائی درجه ۲ و مصادره ۶۰ هکتار از اراضی استیجاری (حقوق استیجاری) و اعیانی

در ماه گذشته، دادگاه انقلاب اسلامی مشهد، به ریاست حجت الاسلام صالحی مازندرانی پرونده اتهامی دوتن از فئودالها و متجاوزین به حقوق کشاورزان را مورد بررسی قرار داد و آرائی به شرح زیر صادر کرد:

فئودال ستمگر روستای «سورن» و اطراف در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد محاکمه شد

امکانات زندگی برخوردارند و بهره مند بودند، ولی همین طبقه بر یک عده مردم محروم، ستم کشیده در طول سالین دراز حکومت می کردند.

و مکتب امیر مومنان علی علیه السلام یک مسئله بسیار روشن و ساده ای است، ولی متأسفانه در طول قرون ملت محروم و رنج کشیده برای خاطر مستلزمین مسئله مسکن و مسائل ابتدائی و ضروری و حیاتی شان چه رنجها که نکشیدند و چه مسیله ها که نخوردند.

تصرف ۹۵ درصد زمین های روستای سورن و غیره است. این فئودال، علاوه بر روستای سورن، در دیگر روستاهای اطراف نیز زمین های زیادی دارد. از جمله وی در روستای خلق آباد ۱۰۲ هکتار زمین دارد. هم چنین در چند روستای بخش چناران، صاحب زمین های زیادی است.

ماه گذشته، دادگاه انقلاب اسلامی مشهد، مهدی اربابی، یکی از فئودال های زورگرو و ستمگر این منطقه را به پای میز محاکمه کشید. ریاست دادگاه را حجت الاسلام صالحی مازندرانی بعهده داشت. در کفرخواست فئودال مزبور آمده است که او متهم به مصادره و تظلم کشاورزان و اجحاف به حقوق مسلم آن ها و تیرداختن حقوق واقعی به آنان، استثمار کشاورزان منطقه و اادار نمودن آن ها به ترک قریه سورن، فحاشی و ایراد صدمه بدنی به چند نفر از روستاییان،

نظارت بر امر کشت و رسیدگی به مشکلات دهقانان بوده است. در سابق شورای کشت به بطور عمده توسط جهاد سازندگی و هیئت هفت نفری اداره می شد، اما حالا وظایف آن به دادرسی انقلاب واگذار شده است.

وی در باره ستمگری های مالکان توضیح داد: "غالبا خان یعنی خائن طبقه فئودال، طبقه های که خودشان از تمام

شورای کشت خراسان، در اوائل مهر ماه سال ۵۹، برای نظارت بر کشت پاییزه در استان خراسان تشکیل شد. این شورا تحت فشارهای بعضی از عناصر، که عملکرد آن را در جهت منافع خود نمی دیدند، در اواخر دی ماه سال گذشته منحل اعلام شد.

در اثر تصمیمات
بعضی از عناصر
شورای
کشت خراسان
منحل اعلام شد

امام خمینی: به کشاورزان
بگوئید ما نه طرفدار فئودال
هستیم نه طرفدار سرمایه دار.

مبارزان توده ای در همه زمینه ها از کار برای نشر نظریات حزب در جامعه و فداکاری مالی و جمع آوری کمک برای حزب گرفته تا جان بازی برای پاسداری و تکدیاری از دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنگ از خود گذشتگی و فعالیت ابتکار کبوتری از خود نشان داده و می دهند و بدون تردید همین تلاش فداکارانه عموم افراد حزب یکی از عمده ترین عناصر تمیز کننده در مجموعه کایابی های حزب است.

حزب ما هرگز در تاریخ چهل ساله خود از یک چنین وحدت فکری و تشکیلاتی، از چنین محیط سالم بدون حزبی برخوردار نبوده است. ما باید این دستاورد بزرگ تاریخ مبارزاتی حزبمان را چون مردمک چشم پاسداری کنیم و هر روز بر کیفیت آن بیفزاییم.

یکه از صحنه
چهره های آمریکایکاسته، در جهت تشدید تفرقه و تشنج در واحدهای صنعتی عمل می کنند.

فقط با خرید عادلانه محصولات کشاورزی

ورفع مشکلات دهقانان است

که میتوان آنها را به کشت محصولات

ضرور و اساسی تشویق کرد

وام و غیره است. بنا به همین دلایل، کشاورزان این استان، اگر هم محصولی ضرور و مورد احتیاج کشت می کردند، مقدار آن محدود بود و اختصاص بخود آن ها داشت، و چنان که محصول اضافی به دست می آمد، دولت آن را به موقع و با قیمت عادلانه نمی خرید و به اشتربیه دست دلان می افتاد. به این وضع دولت انقلاب باید پایان دهد. اطلاعیه اداره کل کشاورزی استان سمنان، جهت کشت محصولات ضرور و اساسی توسط دهقانان به موقع و بیجاست.

اخیراً اداره کل کشاورزی استان سمنان، طی اطلاعیه ای، از کشاورزان روستاهای این استان خواسته است که برای قطع وابستگی از امپریالیسم ونیل به خودکفایی، از کشت محصولات غیر ضرور مانند: خربزه، هندوانه و ... خودداری کنند و به کشت محصولات مورد احتیاج بیشتر و ضرور مانند: گندم، جو، حبوبات، پنبه، علوفه و غیره موزی آورند.

می توان امیدوار بود که پیشرفت روند تشیث و تحکیم و گسترش انقلاب، ضرورت رویارویی با دشواری های ناشی از گسترش مبارزه تاریخی با عوامل ضد انقلاب، ضرورت تحکیم اتحاد و وحدت عمل همه نیروهای راستین هوادار انقلاب در این مبارزه و رشد شناخت و اقیانیت بر پایه تجربه های گرانمایه ایران انقلابی، راه را برای چیرم شدن زحمتکشان بر این دشواری ها هوار خواهد کرد.

کایابی های حزب ما در برخی میدان های بطور نسبی بیشتر و در برخی دیگر کمتر بوده است. در این ارتباط باید جو دشمنانه بر سابقه ای را هم که دشمنان انقلاب از یلکسو و «دوستان» که حزب مارا رقیب خود می نندازند از سوی دیگر، علیه حزب ما دامن می زنند، به عنوان یکی از عوامل منفی به حساب آورد.

یکی از درخشان ترین ویژگی های فعالیت حزبی، در دوران پس از بیروزی انقلاب، شور انقلابی کم نظیر مبارزان تودمی در تمام سطوح فعالیت حزب است، هواداران و افراد ساده حزب گرفته تا مسئولین می گری

رقای عزیز این بود گزارش فعالیت هیئت شیمیائی کمیته می گری در دوسال گذشته.

در درگیریهای شهرستان چالوس ۵ تن مجروح شدند

شهر چالوس مجدداً به تشنج کشیده شد و طی درگیریهای که در روز ۱۶ فروردین در این شهر روی داد، ۵ نفر مجروح شدند. به دنبال تبلیغات خیابانی هواداران سازمان مجاهدین خلق در شهرستان چالوس و برافروختن بیعت و گفتگوی خیابانی و تشنج بودن جو شهر چالوس، بالاخره در روز ۱۶ فروردین سال ۶۰، بین هواداران این سازمان و گروههای از مردم نذگیری پیش آمد که منجر به مجروح شدن ۵ تن از طرفهای متخاصم شد. متأسفانه مقامات انتظامی شهر نیز در جهت جلوگیری از این درگیری هیچگونه اقدامی نکردند.

ما ضمن محکوم کردن این نوع درگیریها، که در شرایط حساس کشور، قبل از همه به نفع آمریکا و بیش از همه به ضرر انقلاب ایران تمام می شود، از مقامات مسئول می خواهیم که با اینگونه مسائل هیجانگانه برخورد کنند. به سازمان مجاهدین خلق نیز گوشزد می کنیم که چنین اعمالی تنها زمینه ساز استفاده ضدانقلابیون و در نهایت اجرای توطئه هتم آمریکاست. بیوش باشید! جای شما در کنار خلق است و آمریکا هنوز دشمن اصلی است.

قاچاق ارز...

محتاجی پول و ارز، دستگیر میشوند
این توطئه خطرناک و گسترده، که چون مورانه از درون انقلاب ایران را می جوید، و طبق شواهد مسلم و قرون از شمار، باهدایت امپریالیسم آمریکا و بدست سرمایه داران غارتگر و باندهای دزد و قاچاقچی در کشور به اجرا درمی آید، تنها در کسب سودهای بادآورده و صورتیادیر خلاصه نمیشود. زیان بزرگتر و مهلک تر آن است که از این عمل برای مردم ایران پدید می آید، تصفیه تدریجی، ولی خطرناک اقتصاد ایران و یا نتیجه انقلاب ایران میشود. میزان ارزی که دولت ایران در اختیار دارد، بسیار محدود است. چنگ تجاوزکارانه و با نتیجه کاهش فروش نفت، دشواریهای ترمیم و بازسازی اقتصادی و فقدان تدابیر صحیح

و جدی برای حفظ ذخایر ارزی ارز، دائماً از این منبع پایدیر می کاهد و در نتیجه امکانات اقتصادی برای مقابله با مشکل کمبود کالا و امکانات ساختگاهی، به نیازهای بازسازی اقتصادی، بشدت کاهش می یابد.

در چنین وضعی توطئه باندهای قاچاق ارز، می تواند ابعاد بسیار خطرناکی یابد و نه فقط مسترین مردم زحمتکش کشور انقلابی را، به بیفایده، بلکه مهمتر از آن، لطافت سیاسی معنی نیز بیار آورد.

عمل قاچاقچیان ارز و سرمایه داران غارتگر چیزی جز سوسوم ساختن تدریجی انقلاب ایران نیست. مقامات مسئول باید هرچه سریع تر و قاطع تر با این توطئه خطرناک مقابله کنند و باندهای قاچاق ارز و زالوهای سرمایه دار را، که در خدمت مطامع سیری ناپذیر خود و ارباب خود - آمریکای جانیکار - به اجرای این توطئه کمک می کنند، زخم کوبند و توطئه را عقیم گذارند.

رزمندگان انقلاب...

در عملیات روز ۱۸ فروردین خود مواضع دشمن را در کانی سختی آتش خپلورمانند از مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن ۶ سنگر انفرادی و اجتماعی و یک کابین حامل نفرت دشمن منهدم شدند. همچنین براتی تبادل آتش شدید در این منطقه، ۱۵ تن از افراد دشمن کشته و یا مجروح شدند.

در جبهه های جنوب

رزمندگان نیروی زمینی در جبهه آبادان با اجرای آتش توپخانه و سلاحهای سنگین، ۲ تانک، ۱۳ سنگری اجتماعی و انفرادی، ۴ سنگر خیارمانداز، ۵ سنگر تریار ضد هوایی، ۲ ساختمان محل تجمع نیروهای دشمن، یک تفنگ ۱۰۶ میلیتری، ۳ خودرو، یک دکل مخابرات، ۳ انبار مهمات و یک برج دیدمبانی دشمن را منهدم و حدود ۳۰ نفر از افراد آنان را به هلاکت رساندند و یا مجروح کردند. همین اطلاعیه حاکیست، رزمندگان هوایی روز جمعه صبح، ۱۸ فروردین، آتش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران متوازی شدند. در عملیات روز ۱۸ فروردین ۱۲ تن از رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

سیاست خارجی...

پایه از صفحه ۱
های روند تکامل دوران معاصر، در بعد تاریخی محکوم به ناکامی است، اما بیروزی انقلابی و جنبش های رهایی بخش و شکست محتوم تلاشهای امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا را با تدابیر مشخص و اقدامات فاعلی برای رویارویی با توطئه های سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم باید تأمین و تضمین کرد.

فالیتهای سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا، که پس از بیروزی انقلاب شکوهمند مردم را بریزه با دامنه ای گسترده در منطقه خلیج فارس انجام میگیرد، بیچونجه به اقدامات و عملیات تاکتیکی و زودگذر و یا تهدید و شاتازت منظور ارباب، محدود نمیشود، بلکه این فالیتهای طبق یک برنامه سیاسی - نظامی و استراتژیکی مدون، که بنیاد سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا را تشکیل میدهند انجام میگیرد. برای توجیه این برنامه و سیاست همگامی های جدیدی به نام سران دولت آمریکا تدوین و اعلام میشود.

در «دکترین کارتر» سراجا اعلام میشود که امپریالیسم آمریکا مناطق وسیعی در قاره های مختلف جهان را «حرم منافع حیاتی» خود میداند، و برای دفاع از این «حرم منافع» حتی تجاوز مسلحانه و مداخله مسلحانه در این مناطق را برای خود «حق مسلم» میدانند.

ریگان، رئیس جمهور جدید آمریکا، مبارزات تمام جنبشهای انقلابی و رهایی بخش خلقها در مناطق مختلف جهان را «اقدامات تروریستی» اعلام میکند و رویارویی مسلحانه دولت آمریکا را با این اقدامات مجاز و لازم میشرد.

بدیکسر سخن، امپریالیسم آمریکا این حق را برای خود قائل است که در هر منطقه از جهان، که منافعی ایجاد کند، مداخله نظامی بپردازد و انقلابی و جنبش های رهایی بخش و استقلال طلبانه خلقها را با نیروی مسلح سرکوب کند.

در برابرس چنین سیاست تجاوزکارانه و غارتگرانه امپریالیسم آمریکا، که با سرکوبت هم رویهای مستقل ملی، انقلاب های خلقی و جنبش های رهایی بخش بر خورد دارد، باید به اقدامات و اتخاذ تدابیر جدی در زمینه گسترش روابط و همکاری های نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی به مقیاس منطقه و در سطح جهانی، دست زد.

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران، که از نخستین روز بیروزی انقلاب، از آمجهای اصلی تمام فالیتهای سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه بوده و توطئه های مکرر براندازی امپریالیسم آمریکا علیه این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی انجام گرفته، و این توطئه ها به اشکال گوناگون از جمله ادامه جنگ تحمیلی دارو دستگیر آیتکار صدام حسین، همچنان ادامه دارد، بیش از هر کشور دیگر در این منطقه مؤثف به استحکام مواضع بین المللی خود، و ذینفع در تشکیل و انسجام جبهه واحد ضد امپریالیستی در این منطقه است.

حزب توده ایران...

پایه از صفحه ۱
کرایش های مثبت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که در نزدیکی روابط ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری و انتظار اعتراض آمیز وزارت امور خارجه بمناسبت گسترش روز - آفزون حضور نظامی امپریالیسم آمریکا و همکاریهای نظامی دیگر دول امپریالیستی در این منطقه، بازتاب یافت، و همچنین تعیین نخست وزیر به سرپرستی وزارت امور خارجه، محل عملی عینی امیدوارکننده ای هستند که میتواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر بنیاد اصول انقلابی و واقع گرایانه و بدوراز هرگونه تعصب تنگ نظرانه و پیش داوریهای ذهنی مبتنی سازد. واقعیت آنستکه بیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، کشور ما را در سطح منطقه و به مقیاس جهانی در جبهه رویارویی با ارتجاع و امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا قرار داده است. در این صورت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چه نسبت به سایر کشورهای جهان، یا در نظر گرفتن این واقعیت و شناخت واقعیتها از عناصر تشکیل دهنده در جبهه جهانی، یعنی جبهه ارتجاع و امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و جبهه ضد امپریالیستی کشورهای ترقیخواه و مستقل ملی و جنبش های رهایی بخش مللی اصیل خلقها، بایستی تدوین و تنظیم گردد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در صورتیکه بر پایه رویکردهای تصادفی، زودگذر و فالیتهای تاکتیکی و موضعی مبتنی شود نمیتواند پاسخگوی منافع پیشرفت و تمیق انقلاب و تضمین کننده استحکام و تقویت مواضع بین المللی جمهوری اسلامی و گزیندنایدیری امنیت و استقلال کشور باشد. مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موظفند که، با توجه به منافع درازمدت، محتوای ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند مردم ایران و موفقیت جمهوری اسلامی ایران در آرایش نیروها در عرصه جهانی، یعنی جبهه ارتجاع و امپریالیسم جهانی و جبهه نیروها و کشورهای ضد امپریالیستی ترقیخواه و مستقل ملی اصولاً مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تدوین و اجرا کنند.

اکنون در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، در جبهه مشخص رویهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم، سرگردگی آمریکا و جبهه کشورهای مستقل ملی و رویهای انقلابی و جنبش های رهایی بخش مللی که در مقابل امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا قرار گرفته اند و آماج سیاست تجاوزی و توسعه طلبانه و توطئه های سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا هستند، وجود دارد. بمقیاس جهانی نیز آرایش نیروها به همین صورت است. پس محتوا و اصول بنیادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید بر پایه یک چنین آرایشی در مقیاس منطقه و در سطح جهانی و موفقیت و مقام آن در این آرایش استوار باشد.

اکنون که امپریالیسم آمریکا با گسترش حضور نظامی و

ادامه راهی که مومن به آن بودامیر هسبیم، باز نداشت و نمیدارد و دربار ما به ضرورت دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط مشی امپریالیستی و مردمی امام خمینی، ذمهای قویز پدید نیورد و نمی آورد.

متأسفانه باید گفت که مقامات مسئول قضائی و دولتی، یا آنکه اقدامات تهاجمی علیه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی و رفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را مستقیم و غیر مستقیم محکوم دانسته، ولی اقدام عملی برای تحویل مجدد مراکز و دفاتر ما انجام ندادند و هم اکنون دفاتر حزب توده ایران در مرکز و بسیاری از شهرستانها، بدون هیچ دلیل منطقی و برخلاف قانون، در اختیار ما نیست.

حزب توده ایران از اطلاعیه دمهادهای دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران یا گرمی استقبال می کند، آنرا تحقق قانون اساسی درباره آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی مومن به انقلاب میدانند و متوقع است که مقامات مسئول این اطلاعیه را مبنای اقدامات خود در این زمینه قرار دهند.

بر این اساس، ما یاردیگر از مقامات مسئول طلب می کنیم که دفاتر حزب توده ایران و مراکز نشریات حزب ما را یما مسترد دارند و فعالیت قانونی حزب ما و مصونیت دفاتر سازمانها و مراکز نشریات حزب ما را در دسترس سراسر کشور، طبق قانون اساسی و اطلاعیه دادستان کل انقلاب، تضمین کنند.

امام خمینی رهبر انقلاب و پیکارگر جمهوری اسلامی ایران، اسامی را سال حاکمیت قانون دانسته اند، به پیروی از این رهنمود مهم، امید آنست که مقامات مسئول ملکی، یا قدرت مانع از اقدامات خرابکارانه عوامل امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی ها و گروههای مائوئیستی - امپریالیستی علیه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی مومن به انقلاب و از جمله حزب توده ایران شوند و قانون اساسی را چون مردمک چشم یاس دارند. دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وظیفه هر عاشر و سازمان انقلابی است. چادارد که افراد سازمانهایی که تاکنون در نتیجه اشتباه در ارزیابیهای خویش، خود را در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار داده اند، بخود آیند و از این فرصت برای تصحیح اشتباهات خود بویوسن.

به جبهه مدافعان انقلاب جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند. در شرایطی که امپریالیسم جهانخواه، بسرگردگی آمریکا، تصدیر اندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را دارد، حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از تعرض و توطئه دشمن، برترین وظیفه است.

وظیفه مقامات مسئول ملکی نیز هست که در سال حاکمیت قانون، سره را از ناسره باز شناسند و احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی مومن به انقلاب را در پناه قانون قرار دهند.

تضمین قانونی فعالیت احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی مومن به انقلاب، صرف نظر از ایندولوزی آنها، بدون شك عامل مهمی در ایجاد محیط سالم برای رشد جامعه و تقویت جبهه دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است.

کمک مردم سراب به جنگ زدگان

مردم سراب مبلغ ۲۲ هزار تومان کمک مالی برای هموطنان جنگزده جمع آوری کردند و روز ۴ فروردین ۶۰ به مناطق جنگزده فرستادند. مردم سراب قبلاً نیز چند کامیون لوازم خانه، لباس و مواد غذایی برای جنگزدهگان فرستاده‌اند. همچنین اعضاء و هواداران حزب توده ایران در سراب نیز با تحویل دادن تعدادی پتو، چراغ خوراکی و کتری به ستاد جمع آوری کمک به جنگزدهگان، در این اقدام شرکت کردند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

ایرانیان شیراز ۵۰۰۰ ریال
جواد زاکلی ۱۵۴۰ ریال
مریم از فروش گل ۳۰۰۰ ریال
همسر شهید کیخسروی ۱۰۰۰۰ ریال
هدیه عروسی مینا و همسرش یک نیم سکه طلا
سامان نسکی از اراک ۱۰۰۰ ریال

علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب پانکی شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی میردازند.

نمۀ مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارانۀ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 483
11 April 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۰۹ منطقه ۱۴ پستی تهران

خلق بولیوی برای سرنگونی «خونتا» به مبارزه ادامه میدهد

«خونتای بولیوی هرچه بیشتر بی‌لیاقتی خود را بشنود میرساند»

«خونتای نظامی بولیوی، که با کودتای خونین ۲۶ تیر ۱۳۵۹ (۱۷ ژوئیه ۱۹۸۰) حکومت را بدست گرفت، بخلاف آنچه پاره‌ها ادعا کرده است، هیچ‌روی «توانایی حکومت» را نیافته است. بحران اقتصادی کشور به اوج خود رسیده است، تضادهای اجتماعی کماکان عمیق می‌گردد نیروهای پیشرفت جو پیگرد می‌شوند، دانشگاهها همچنان تعطیل هستند، شبها مقررات منع عبور و مرور برقرار است و بولیوی، از نظر سیاست خارجی، در انفراد بسر می‌برد. اکثریت مطلق مردم بولیوی به مخالفت با رژیم برخاسته‌اند.

توسل «خونتای» به ضد کمونیسم برای سرپوشی شکست خود
ژنرال لوئیس گارسیاسا و دارودسته او، برای آنکه بی‌برنامگی و شکست خود را بپوشانند، به شمارهای ناسیونالیستی و ضد کمونیستی توسل می‌جویند. فرمانروایان کنونی بولیوی حتی اشخاص و نهادهای راه که هیچ‌روی برچسب مارکسیست-لنینیستی بر آنها نمانده، «توطئه گران کمونیستی» می‌خوانند. قانون امنیتی ویژه برای یکره مخالفان رژیم، بعنوان «خاتمان به مین» برپا شده است. تشکیل «دولت وحدت ملی» که نماینده «اتحادیه دموکراتیک خلق» (برنده انتخابات تابستان ۱۳۵۹) است، به مهم‌ترین مسئله برای «خونتای» تبدیل گردیده است. این دولت، برهبری هرنان سیلس زوارزو، فعالیت‌های زیرزمینی خود را آغاز کرده و شبی نیست که اعلامیه‌های آن زین در خانه‌ها انداخته نشود.

انقراض رژیم بولیوی در صحنه سیاست بین‌المللی

این تصمیم «خونتای» هنگامی اتخاذ گشت که از ژنرال مسا برای شرکت در کنفرانس سران کشورهای آمریکای لاتین در سانتا مارتا (کلمبیا)، بیانیهت ضد سوسیالیسم سالگرد زادروز سیمون بولیوار، دعوت بعمل نیامد. کشورهای «بی‌مان آند»، خیلی پیش، یعنی در ۲ مرداد ۱۳۵۹ (۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰)، کودتای نظامی را علیه دولت قانونی بولیوی بشدت محکوم کردند. یادآور می‌شویم که چهار سال پیش نیز شیلی این بی‌مان را ترک گفت، تا از اینراه مقید به مقررات محدود کننده سازمان نامبرده در برابر انحصارات بین‌المللی نباشد و درهای کشور را بسوی کسرنمای چپ‌لرگر خارجی بکشاید.

بولیوی، علیرغم آنکه دارای منابع طبیعی پس غنی است، از نظر اقتصادی، به سطح صفر تنزل یافته است. صادرات نفت از منطقه استوایی سانتا کروز قطع شده و بحران عمیق صنایع استخراجی و قلع را فرا گرفته است. بولیوی با جمعیت ۵۰ میلیون و بدهی ۳۰۰ میلیارد دلاری خود به خارج از آمریکای جنوبی، از این حیث، در مقام نخست قرار دارد. بازپرداخت سالیانه این بدهی از درآمد صادرات بولیوی تجاوز است. اقتصاد بولیوی در رکود فرو رفته سطح زندگی در این کشور آند، که بمنزله فقیرترین کشور شبه‌قاره به‌شمار می‌آید، همواره رو به تنزل است.

اتحاد وسیع نیروها برای بازگشت سریع به دموکراسی
دولت نامبرده، که قانوناً می‌بایست بجای «خونتای» در «پالاسو کوماندو» در لاپاس حکومت کند، طیف وسیعی از نیروهای سیاسی بولیوی را دربر می‌گیرد. دولت زیرزمینی حتی از پشتیبانی کسانی بهره‌مند میشود که زمانی در بلوک بورژوازی ملی بودند. فرناندو گوتزالی، سخنگوی دولت هرنان سیلس زوارزو، چندین‌بار در کانادا اعلام داشت که خلق بولیوی خواستار بازگشت هر چه زودتر به دموکراسی است. بگفته وی، «بیمین دلیل «دولت وحدت ملی» هدف خود راهکاری با همه نیروهای تمین کرده است، که خواهان بولیوی باثبات، مستقل و دموکراتیک هستند.

مقاومت مردم گسترش می‌یابد

بمدین ترتیب، شکست‌ناپذیر نیست که مقاومت مردم بولیوی وسعت می‌یابد. «فدراسیون ملی مدنی» کارگران را فراخوانده است، تا علیه سرپرستان دولتی سندیکاها به مبارزه بپردازند. چنانکه سیمون ریسی، معاون دبیر اجرایی «ب. و. ب.» (دکانون سندیکایی بولیوی) و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بولیوی، که بر اثر اعتراض گسترده جهانیان از بند «خونتای» آزاد شد، چندین بار در پاریس اعلام کرد، رژیم نظامی با دشواریهای فوق‌العاده‌ای روبروست. وی گفت که، از سوی دیگر، خلق بولیوی همچنان به مقاومت راسخ خود علیه این رژیم ادامه میدهد.

توسط نیروهای دولتی:
۱۵۰۰ تن از مردم السالوادور در یک غار قتل‌عام شدند
در حمله نیروهای دولتی السالوادور به عمده‌ای از اهالی این کشور که قصد پناهندگی به کشور هندوراس را داشتند، ۱۵۰۰ نفر کشته شدند. در این عملیات که با همکاری نظامیان هندوراس و زیر نظر مشاوران نظامی آمریکایی صورت گرفت، غاری که مردم به آن پناه برده بودند، مورد حمله هوایی قرار گرفت. نظامیان السالوادور قبل از بمباران، غار مزبور را منجمد کرده بودند. بدینسان این حمله اعلام شد که هیچیک از کسانی که درون غار ماوا گرفته بودند، از این حمله جان سالم بدر نبردند.



لئونید برژنف در دیدار با رهبران حزب کمونیست چکسلواکی:

کشورهای سوسیالیستی در شرایط نیرومندی هر چه بیشتر بسالهای ۸۰ وارد شده‌اند

در جریان دیدار هشت‌نمایدگی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به ریاست لئونید برژنف، با رهبران حزب کمونیست چکسلواکی، لئونید برژنف اظهار داشت: «کشورهای سوسیالیستی سالهای ۸۰ را نیرومندتر از همه وقت آغاز میکنند. از سوی دیگر وظایف آنان نیز، بسویژه در زمینه اقتصادی، جدی‌تر شده است.»

دو هشت‌نمایدگی همچنین به تقویت رژیم سوسیالیستی در امر تسخیر زدانی و مقاومت در برابر حمله‌های امپریالیسم و ازجایج جهانی اشاره کردند و نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و برخی کشورهای دیگر عرضیهان «ناقو» راه که قصد دارند مرحله جدیدی را در مسابقه تسلیحاتی آغاز کنند، محکوم کردند.

طرفین متذکر شدند که استقرار سلاحهای موشکی و هسته‌ای آمریکا امنیت همه ملت‌های اروپا را به مخاطره خواهد انداخت. دو هشت‌نمایدگی همچنین یادآور شدند که در شرایط حساس فعلی جهان، پیشنهادی مشخصی در زمینه تسخیر زدانی نظامی و پایین آوردن سطح رویارویی نظامی در اروپا اهمیت خاصی کسب میکند.

دیدار وزیرای خارجه مجارستان و اتحاد شوروی

فدریک گویا وزیر خارجه مجارستان با آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد. در این مذاکرات پیشنهادهای بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی دربارهٔ تقویت پیش از پیش روند تسخیر زدانی و قطع سایه تسلیحاتی مورد بررسی قرار گرفت. طرفین در این مذاکره رضایت خود را از چگونگی گسترش مناسبات دوجانبه مجارستان و شوروی ابراز داشتند.

در مطبوعات کشور

احتضار امپریالیسم

در هر جامعه‌ای بطور مخصوص و مشهود دو طبقه اصلی و اساسی موجودند که به اقطاب «استثمارگر» و «استثمارشده» تقسیم میشوند. کارگران و اقطار میانی جامعه و قسمت‌های تحتانی از بورژوازی عظیم جامعه آمریکائی نیز بلحاظ جامعه‌شناسانه، در تقسیم‌بندی اجتماعی «مستضعفین مادی» قرار می‌گیرند. قلب استکبار نیز مرکب از سهامداران دوال‌استریت و دلالان بین‌المللی و صاحبان و شرکاء کمپانی‌ها و کارتل‌ها و تراست‌های عظیم جهانیست. ملاحظه میشود که با هر خلق‌بید از امپریالیسم که در گوشه‌ای از جهان صورت می‌گیرد، خوراک لازم برای این اژدهای عظیم خوردنده، کمتر و کمتر خواهد شد، لذا اگر انقلابات جهانی بر علیه سلطه‌استثمار آمریکا موفق به استقلال و رهائی‌شوند، و امپریالیسم رفته‌رفته دیگر دستش از منابع مادی و اقتصادی جهان قطع شود، بناچار و بطور حتم مستضعفین و محرومین و اقطار طبقات پایین جامعه به حرکت درآمده و به سرنگونی نظام رژیم حاکم نائل خواهند شد.

حمله رژیم صدام، توطئه آمریکاست

«امروز بر هیچ‌یک از ما پوشیده نیست که حمله رژیم عراق به ایران در ادامه سلسله تلاشهای آمریکا برای بزانبود آوردن انقلاب شکوهمند اسلامی‌مان اجرا شده است. اکنون شما از هر کسی که بخواهید ستوال کنید که چرا عراق به ایران حمله کرد، یلافاصله پاسخ می‌شوید که آمریکا بعد از شکست مقتضاجانه‌اش در حمله نظامی به طبرستان و شکست کودتای آمریکائی و نیز ناموفق ماندن حرکات ماجراجویانه‌اش در مناطقی مثل عراق، عراق را ترغیب به حمله علیه ایران کرد، تا بدینوسیله صریحاً نهایی را بر بیکر انقلاب وارد آورده.

در عمل سود محرومان

«همه می‌گوئیم و می‌گویند، یله، درست است. سخنان رهبر انقلاب کاملاً قابل قبول و تصدیق است، همه می‌گوئیم و می‌گوئید که واقعاً «انقلاب اسلامی ما موهون طبقه محروم» است و واقعاً هم «دیک موی گودنشینان و محرومان برهنه کاخ‌نشینان» ترسیده‌اند... اکنون با این مقدمات باید همه ما - چه افراد عادی و چه دولتمردان، و کلا و مسئولین و روسا- از خویش بیرحمیم که: آیا قسط در احساس و دریافت و برداشت و اظهار نظر باید چنین باشد، چنین موضع‌گیری مهمی درباره محرومین مومن و فداکار و استضعاف گران و استثمارگرا نشان داشته باشیم یا باید این احساس در افعال ما نیز تجلی کند؟ و کلاهی محترم مجلس شورای اسلامی باید از خود پیرسند و میرسند و علی‌الاصول چنین است که: آیا ارشادات امام و آن موضع‌گیری‌های مورد تصدیق صرفاً باید در حد احساس به مامتقل شود و یا باید فرداً فرداً در تصویب قوانین مجلس و در عمل وزای و کلاهی محترم نیز تجلی شود... اگر بپذیریم که محتوای عبارت «دیک موی این گودنشینان و محرومین برهنه کاخ‌نشینان» ترسیده‌اند... این‌ها در همان معنای عام، یک قانون و یک فلسفه قانون است، این‌ها هم می‌پذیریم که در عمل نیز باید چنین باشد.

نعمه آمریکائی

«توطئه‌ای که برای جدائی بین‌برادران شیعه، وسنی تهیه دیدمشد یک نعمه آمریکائی است و ما باید این توطئه را با هشیاری کامل چون دسیسه‌های دیگر دشمن نقش بر آب کنیم.» (حجت‌الاسلام خامنه‌ای - کیهان - ۱۸ فروردین ۶۰)

روزنامه آمریکائی فاش کرد:

آمریکا قصد بمباران ایران را داشت

یک روزنامه آمریکائی فاش کرد که امپریالیسم آمریکا، پس از شکست تجاوز نظامی طبعی قصد داشت دست‌به‌عملیات جنون‌آمیز و جنایتکارانه وسیعی بزند. روزنامه «آتلانتا جورنال کانسن تی‌تی‌وی»، نوشت: «دولت آمریکا پس از شکست عملیات خود برای نجات گروگانها در ایران در آوریل سال ۱۹۸۰، به تهیه نقشه عملیات پر دامنه دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت. قراردادی تعداد زیادی هواپیما و هلی‌کوپتر جنگی واحدهای ویژه

تفنگداران دریایی و نیروی چریک‌ها و حدود ۱۰ هزار چریک در این عملیات شرکت کنند، در منطقه تهران پلک‌شوند، یا نگاه‌های نیروی هوایی ایران را بمباران کنند و جزیره خلرک را در خلیج فارس به تصرف درآورند. در حالی‌که توجیه است که تدارکات توطئه تجاوزی امپریالیسم آمریکا در شرایطی انجام می‌گرفت که «کاخ سفید» و عمالشان با بکار بستن فرندهای سیاسی سعی داشتند اینطور وانمود کنند که آمریکا مایل‌است تا مسائل موجود از طریق مسالمت‌آمیز حل‌شود.